

THE ANOINTED ONES AT THE END TIME

مسح شدگان در زمان آخر

گروه ترجمه کلیسای ایران

این پیغام صبح روز یکشنبه 25 جولای 1965 در خیمه ی برانهام در جفرسون ویل ایندیانا، ایالات متّحده آمریکا، توسط برادر ویلیام ماریون برانهام، موعظه شده و بر روی نوار شماره 65-0725M به مدت سه ساعت و چهارده دقیقه ضبط گردیده است. تمام تلاش برای پیاده سازی پیغام شفاهی از روی نوارهای مغناطیسی بر روی کاغذ صورت گرفته است. این پیغام توسط مرکز پرشین میسیون چاپ و منتشر گردیده است. انتشار سال 2010. چاپ اوّل.

شما می توانید از طریق پست الکترونیکی info@persianmission.com با ما در تماس باشید و جزوات و مقالات مربوط به پیغام زمان آخر را از این طریق دریافت نمایید. هرگونه چاپ و استفاده از مطالب این کتابچه منوط به دریافت مجوز از مرکز پرشین میسیون می باشد.

<http://www.persianmission.com>

1. صبح بخیر حضار محترم. چند لحظه با خداوند خویش تکلم کنیم. خداوند بزرگ، خالق آسمان و زمین که ما را مقدر نمودی تا امروز صبح تو را پرستش نماییم. خداوند، در قلبهای خویش خود را کاملاً به اراده ی الهی تو و عمل روح القدس در ما تسلیم می نمایم تا آنچه را که می خواهی ما بدانیم به ثمر بیاورد. خواست و آرزوی ما این است که مسیحیانی بهتر و نمایندگان بهتر برای تو باشیم. همانگونه که انتظار تو را داریم امروز صبح این را به ما عطا کن. به نام عیسی مسیح، آمین.
بنشینید لطفاً. [یک نفر می گوید: می خواهید لباس دعا را از تنتان در بیاورید؟] ، بله.
2. از اینکه امروز صبح اینجا و در خدمت پادشاه عظیم هستیم مسروریم. از اینکه فضای کافی برای همه در اختیار نداریم مجدداً عذر خواهی می کنیم. ما... ما تمام تلاش خود را می کنیم تا تحت هر شرایطی بهترین کار را انجام دهیم.
3. افراد بسیاری دستمال و درخواستهای دعای خویش را اینجا گذاشته اند تا بر آنها دعا شود. من آنها را کناری گذاشته ام، نه به دلیل اینکه آنها را نادیده گرفته باشم. بلکه من امشب بعد از اینکه... برای آنها دعا خواهم کرد. امروز صبح و امشب این کار را خواهم کرد... سپس دعا می کنم و برای روح خدا بجهت شفا انتظار می کشم، و این زمانی است که دوست دارم بر این دستمالها و اشیاء دعا کنم.
4. و بر روی درخواستهای ویژه و تمام درخواستهای دیگری که بیلی به من داده است. زمانیکه من سالن را ترک کردم تعداد آنها سیصد عدد و یا شاید هم بیشتر بود. می بینید، با تمام سرعتی که بتوانم تمام آنها را از همه دریافت خواهم کرد. قادر نخواهم بود که تمام آنها را بگیرم. یکی را بر می دارم و می گویم: « خداوند، این یکی باشد یا این یکی باشد؟ » به همین صورت، چون همه ی آنها نیازمند هستند. و من... بعضی وقتها روح القدس چیز مشخصی را می گوید که من بخوانم، که در قلب من می ماند، و باز برمی گردم، و در آن تفحص می کنم تا آن را دریابم. در غیر صورت آن را تصادفاً انتخاب می کنم.
5. همچنین، امروز می خواهیم به تمام کسانی که در جاهای دیگر کشور هستند درود و سلام بفرستیم. امروز صبح به تمام کسانی که در نیویورک سیتی، تگزاس، پرسکات، آریزونا، توکسان، سن خوزه، کالیفورنیا، جورجیا، نیوآلبانی، ایندیانا و... از طریق تلفن صدای ما را می شنوند سلام می کنیم. در نام خداوند عیسی به شما درود می فرستیم.
6. امروز در ایندیانا شاهد صبح زیبایی هستیم. دیشب شاهد بارندگی بودیم که باعث خنکی هوا گردید و... خیمه مملو از جمعیت شده و

- مردم مشتاقانه در انتظار دروس یکشنبه هستند. و ایمان دارم که برکت عظیم خداوند با شما مردم در سراسر کشور است.
7. امیدوارم به محض امکان، طریقی را فراهم کنیم تا بتوانیم همه با هم جمع شویم، شاید در یک خیمه ی بزرگ، چراکه واقعاً هدایت شده ام تا در مورد هفت پیاله ی آخر کتاب مقدس موعظه کنم.
8. پس اکنون، امروز برای یک درس بزرگ خیلی... از خدا پرسیدم «چه می توانم بگویم؟» با علم به اینکه شاید این آخرین جلسه ای باشد که ما تباحث داشته ایم. آمدن خداوند بسیار نزدیک و قریب الوقوع است!
9. بعد از آن پیشگویی که در مورد کالیفورنیا انجام دادم. در آنجا خانه هایی را می بینم که سی اینچ در ساعت نشست می کنند و الوار آنها خرد می شود و مردم نمی دانند که چه چیزی باعث آن می شود. خانه های چند صد هزار دلاری در حال نشست کردن است. یک تیترا روزنامه و تعدادی عکس دارم که امیدوارم امشب آنها را با خود به اینجا بیاورم. چون می خواهم در مورد مطلبی در آن زمینه صحبت کنم.
10. و سپس، امشب، برای بیماران دعا خواهیم کرد. امشب ساعت پنج، شش، یا هر ساعتی که هست به اینجا بیایید. می خواهیم زود جلسه را شروع کنیم تا همه بتوانند زود خارج شوند، پس بیایید و کارت دعای خود را بگیرید. اگر خدا بخواهد امشب برای بیماران دعا می کنیم.
11. حال، پس از تفکر در روح دعا که «چه باید بکنم؟» و با علم به اینکه باید روزی درباره ی هرآنچه می گویم پاسخگو باشم... تصمیم گرفتیم، یعنی هدایت شدم تا امروز صبح در مورد نبوتی که به نوعی ما را آگاه می کند صحبت کنم. می بینید؟ این چیزی است که ما... اگر چیزی اطلاع داده نشده و همه چیز همینطور تصادفی رخ می دهد، ما باید در مورد آن بدانیم. روح القدس این را به ما داده است تا به مردم در مورد آینده هشدار دهیم. می دانید، کتاب مقدس می گوید که «خداوند کاری نمی کند جز آنکه آن را به خادمین خویش انبیا آشکار کند.» چنانکه عیسی از آنچه که رخ خواهد داد به مردم خبر داد، چنانکه انبیاء قوم را از آنچه باید واقع شود مطلع نمودند. و امروز بر ما واجب و شایسته است تا در این ساعت عظیمی که زندگی می کنیم، ببینیم که در چه زمانی هستیم، چه چیزی در حال رخ دادن است و چه چیزی باید در این دوره رخ دهد. امروز در قلبم است تا در مورد یکی از امور عجیبی که شاید بارها خوانده ایم با مردم صحبت کنم.
12. حال متی باب 24 را باز کرده و بخشی از کلام را باهم بخوانیم. [برادر برانهام گلوی خود را صاف می کند] عذر می خواهم. این بخش را بخوانیم تا زمینه ی بحث و موضوع خود را دریابیم.

13. به خاطر داشته باشید می خواهیم این را بعنوان یک کلاس کتاب مقدس تعلیم دهیم. کاغذ و قلم خود را حاضر کنید. در اینجا بخشهای زیادی از کلام را یادداشت کرده ام که بتوانید آنها را دنبال کنید. سپس به خانه رفته و آنها را مطالعه کنید، چون این مثل یک مدرسه ی یکشنبه است، که می دانیم و به ما اعلان شده و برای زمانی که ما در آن زندگی می کنیم مهیا گشته است.

14. در کتاب مٹی [برادر برانهام گلوی خود را صاف می کند] ببخشید، آیه 24 ... یا، باب 24 و از آیه 15 ، می خواهم بخشی از کلام او را بخوانیم:

« پس چون مکروه ویرانی را که به زبان دانیال نبی گفته شده است، در مقام مقدس برپا شده بینید هر که خواند دریافت کند آنگاه هر که در یهودیه باشد به کوهستان بگریزد و هر که بر بام باشد، بجهت برداشتن چیزی از خانه به زیر نیاید؛ و هر که در مزرعه است، بجهت برداشتن رخت خود برنگردد.

لیکن وای بر آبستنان و شیردندگان در آن ایام! پس دعا کنید تا فرار شما در زمستان یا در سبت نشود، زیرا که در آن زمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر می شود که از ابتدا عالم تاکنون نشده و نخواهد شد!

و اگر ایام کوتاه نشدی، هیچ بشری نجات نیافتی، لیکن بخاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خواهد شد آنگاه اگر کسی به شما گوید: " اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است" باور مکنید،

زیرا که مسیحیان کاذب و انبیا کذب ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز همراه کردندی

اینک شما را پیش خبر دادم «پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست، بیرون مروید یا آنکه در خلوت است، باور مکنید،

زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد.

و هر جا که مرداری باشد، کرکسان در آنجا جمع شوند »

15. حال می خواهم به آیه 24 بعنوان موضوع درس مدرسه ی یکشنبه توجه کنید و هنگامیکه دوباره آن را می خوانم به دقت گوش کنید: « زیرا که مسیحیان کاذب و انبیا کذب ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز همراه کردندی »

16. حال می خواهم برای عنوان موضوع امروز صبح عنوان مسح شدگان در زمان آخر را انتخاب کنم تا در مورد آن صحبت کنم. مسح شدگان در زمان آخر.

17. ایمان دارم که ما در زمانهای آخر زندگی می کنیم..... یک خواننده ی کتاب مقدس، یا حتی یک ایماندار می داند که ما در پایان تاریخ دنیا هستیم. دیگر نوشتن آن فایده ای ندارد، زیرا

دیگر کسی نخواهد بود که آن را بخواند. این پایان زمان است. در چه زمانی، من نمی دانم. چقدر به طول خواهد انجامید، حتی فرشتگان آسمان نیز از ساعت و دقیقه خبر ندارند. اما توسط خداوند عیسی به ما گفته شده است زمانیکه اموری را که ما شاهد آن هستیم شروع به تحقق نمود سرهای خود را بلند کنیم زیرا رستگاری ما نزدیک است. حال « نزدیک شدن » به چه معنی است، من نمی دانم. شاید منظور آن...»

18. همانگونه که یکروز دانشمندی در تلویزیون در مورد هزاران مایل شکستگی زمین در اثر زلزله که در حال فرو رفتن است صحبت می کرد. از او پرسیده شده بود « آیا آنجا فرو خواهد رفت؟ » این لس آنجلس است، در بخش غربی و بسیاری از شما دیدید که چگونه آن را دنبال نمودند که پیشرفت نمود... به سن خوزه رسید، در تمام Aleutian Islands در حدود دویست مایل درون دریا گسترش یافت و به سن دیگو San Diego رسید و دورتادور لس آنجلس را در بر گرفت.

و تمام این زمین لرزه هایی که ما داشته ایم، در گسل های آتشفشانی بوده است. من نمی دانم آنها روی آن چه اسمی می گذارند، هرچند، هربار که آن گسل ها لرزش داشته باشند این زمین لرزه هایی را که در تمام این سالها داشته ایم در بر دارند. حال این در همه جا اعلام می شود و دانشمندان می گویند یک...»

19. یک نفر به دیگری می گفت: « آیا می شود که فرو بریزد؟ » آن فرد گفت: « احتمال ندارد، حتماً فرو خواهد ریخت » آن دیگری گفت: « خوب، شاید در نسل ما نباشد؟ » مرد گفت: « در پنج دقیقه یا پنج سال آینده، ما دقیقاً نمی دانیم در چه زمانی. »

20. این هفته، تیر روزنامه ها برای من ارسال شد، از خانه های چند صد هزار دلاری که تخریب شده و مردم در حال ترک آنجا بوده اند. آنها نمی دانند که چگونه آن را متوقف کنند. هیچ راهی برای متوقف کردن آن وجود ندارد. می بینید، خدا هر کاری را که خواهد انجام دهد را قادر است انجام دهد، و هیچ کس نیست که بتواند بگوید چگونه آن را انجام دهد.

21. شما می توانید چیزهای علمی را بسازید و یا مثلاً خانه بسازید، و خدا خالق عالم است. چطور می خواهید جلوی او را بگیرید؟ اگر خواهد می تواند امروز صبح این دنیا را با استفاده از کک ها از بین ببرد. ببینید، او می تواند بگوید و کک ها بوجود بیایند، و آنها هر نیم ساعت یکبار چهل مایل در عمق زمین فرو می روند و انسانها را می توانند در همانجا...» از بین ببرند. او خداست و بر طبق اراده ی خویش کار می کند. او خود فرمانروا است.

22. حال با دیدن انبوهی از شواهد، که ما در چه ساعتی زندگی می‌کنیم... از زمان بازگشایی مهرها فکر می‌کنم این خوب باشد که این امور را گرد آوری و مرور کنیم تا حقیقت این امور را دریابیم که خدا به فیض خود و با نشان دادن این امور به ما چقدر نسبت به ما وفادار بوده است.
23. در اینجا می‌خواهم توجه شما را به مثنی باب 24 جلب کنم جائیکه عیسی از « مسیحان » صحبت می‌کند. م - س - ی - ح - ا - ن « مسیحان » نه مسیح بلکه « مسیحان » که به صورت جمع استفاده شده است و نه مفرد. کلمه ی مسیح به معنای « مسح شده » می‌باشد و بعد اگر « مسح شده » باشد، تنها یک مسح شده نیست، « مسح شدگان » می‌بینید؟
24. وگرنه، اگر می‌خواست تفکیک بیشتری انجام بدهد تا ما بتوانیم کم و بیش درک بهتری داشته باشیم می‌توانست بگوید « در ایام آخر مسح شدگان دروغین خواهند برخاست » حال، استفاده از عبارت « مسح شده » غیر ممکن به نظر می‌رسد. اما به عین کلمه ی بعدی توجه کنید، « و انبیاء کذبه » ا - ن - ب - ی - ا بازهم به صورت جمع، نه مفرد.
25. مسح شده یعنی «یک نفر با یک پیغام» و تنها راهی که یک پیغام می‌تواند آورده شود از طریق کسی است که مسح شده است و باید یک نبی باشد، مسح شده. « معلمین مسح شده ی کذبه خواهند برخاست ». یک نبی تعلیم می‌دهد که پیغام او چیست. معلمان مسح شده، ولی افرادی مسح شده با تعلیم غلط. مسح شدگان « مسیحان » جمع، « انبیا » جمع، و اگر چیزی شبیه یا بعنوان مسیح، مفرد وجود داشته باشد، پس باید اینگونه باشد « مسح شدگان » که نبوت اینکه آنها چه چیزی را تعلیم می‌دادند متفاوت است، زیرا آنها مسح شدگان هستند، مسح شده.
26. حال، این یک درس مدرسه ی یکشنبه است که سعی می‌کنیم آنرا از طریق کتاب مقدس نشان دهیم و نه توسط آنچه که فرد دیگری در مورد آن گفته است، بلکه تنها با خواندن کتاب مقدس. ممکن است بگویید: « این چطور ممکن است؟ ممکن است مسح شدگان... »
27. آنها چه بودند؟ « مسیحان » م - س - ی - ح - ا - ن. « مسیحان و انبیاء » مسح شدگان، لیکن انبیاء کذبه.
28. حال، شاید کسی به من بگوید: « آیا ایمان داری که مسح آن افراد به معنای این است که این مسح روح القدس است؟ » بله، آقا، روح القدس ناب خدا بر آن افراد است، ولی همچنان کذبه هستند. حال به دقت گوش کنید و ببینید که او چه گفت « ... آیات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی » و آنها توسط روح القدس حقیقی مسح شده اند. می‌دانم که این احمقانه به نظر می‌رسد ولی می‌خواهیم وقت

بگذاریم و آن را توسط کلام شرح دهیم که این دقیقاً قول خداوند این است می باشد یعنی حقیقت.

29. حال کتاب مقدسهای خود را باز کنیم، مثنی باب 5 و از آیه 45 به بعد را با هم می خوانیم. و بعد، اگر نتوانستیم همه ی آن را با هم بخوانیم، شما می توانید زمانیکه اینجا را ترک نموده و به منزل رفتید، این آیات را در کتاب مقدسهای خود مطالعه کنید و ببینید که کتاب مقدس در این مورد چه می گوید.

30. حال وقت خود را صرف یافتن این حقیقت اساسی می کنیم، زیرا در اینجا چیزی را بیان می کنم که حیرت آور است. چطور ممکن است که روح القدس یک معلم کاذب را مسح کند؟ ولی این چیزی است که عیسی گفت رخ خواهد داد.

حال مثنی باب 5 آیه 45 را بخوانیم. از کمی عقبتر و از آیه ی 44 شروع می کنیم:

« اما به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمائید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش و جفا رساند، دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می سازد... و باران بر عادلان و ظالمان می باراند.» (باران بر ظالمان مانند نیکان می بارد.)

31. حال، برای پیگیری این مطلب در یک نبوت دیگر که به این امر مرتبط است می توانیم به عبرانیان باب 6 مراجعه کنیم، جائیکه پولس همین مطلبی را که عیسی گفت را به ما یادآوری می کند. همانطور که در حال یافتن این مطلب در کتاب خود هستید، و شما که از طریق رادیو به ما گوش می کنید، می خواهم یک تگه کاغذ و یک قلم برای خود بیاورید و این را دنبال کنید. در عبرانیان باب 6، پولس به عبرانیان می نویسد و به آنها سایه ها و نمادهایی را که آنها را از یهودیت به مسیحیت می آورد نشان می دهد و نشان می دهد که تمام آن امور قدیم، پیش نمایی و سایه ای بود از اموری که باید واقع می شدند. حال پولس در حال گفتن است. عبرانیان باب 6:

« بنابراین از کلام ابتدای مسیح (م - س - ی - ح . مفرد) در گذشته، به سوی کمال سبقت بجویم و بار دیگر بنیاد توبه از اعمال مرده و ایمان به خدا ننهیم، و تعلیم تعمیدها و نهادن دستها و قیامت مردگان و داوری جاودانی را.

و این را بجا خواهیم آورد هرگاه خدا اجازت دهد. زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذت عطای سماوی را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند.....»

می خواهم چند لحظه توجه شما را به نکته ای جلب کنم. آیا متوجه شده بودید که صحبت از « عطا » است و نه « عطایا»،

شریک در « عطایای سماوی؟ » بلکه « عطای سماوی » مفرد، « مسیح » مفرد، « عطا » مفرد.

« ... عطای سماوی... و شریک روح القدس گردیدند و لذت لذت کلام نیکوی خدا... را چشیدند (چه چیزی را چشیدند؟) کلام خدا و قوت آینده را چشیدند.

اگر بیفتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند در حالتیکه پسر خدا را برای خود باز مصلوب می کنند و او را بی حرمت می سازند.

زیرا « گوش کنید » زمینی که بارانی را که بارها بر آن می افتد، می خورد و نباتات نیکو برای فلاحان خود می رویاند، از خدا برکت می یابد.

لکن اگر خار و خشک می رویاند، متروک و قرین به لعنت و در آخر سوخته می شود.»

32. حال دوباره این را با متی 5 : 45 مقایسه کنید. توجه کنید، عیسی گفت که باران و آفتاب بر زمین می بارند، که خدا آن را برای مهیا نمودن خوراک و امور مردم بر زمین می فرستد. و باران برای خوراک گیاهان فرستاده می شود ولی خار و خس نیز همین باران را بر روی زمین دریافت می کنند. همان بارانی که باعث رشد گندم می شود، همان باران خار و خس را نیز می رویاند.

33. من زمانی که برای نخستین بار با پنطیکاستی ها ملاقات کردم چنین درسی را گرفتم! که برای من درس بزرگی بود. دو مرد را دیدم، یکی... قبلاً هرگز شنیده نشده بود که به زبانها صحبت کند. یکی به زبانها صحبت می کرد و دیگری آن را ترجمه می نمود و بالعکس. و شاید حقیقت را می گفتند که « امشب تعداد زیادی اینجا هستند که باید توبه کنند. هم از مردان و هم از زنان » و مردم از جا برخاسته و به سمت مذبح حرکت می کردند. با خود فکر کردم: « چه با شکوه؟ »

34. و بعد با اندک عطای روح القدس با آن مردم صحبت کردم، می دانید، فقط اندکی بصیرت می خواهد تا آن را دریابید. یکی از آنها یک مسیحی واقعی و یک خادم حقیقی مسیح بود، دیگری که یک متظاهر بود با یک زن مو مشکی زندگی می کرد و فرزندی از ارتباط نامشروع خود با یک زن بلوند داشت. خوب، این را در رویا دیده بودم و نمی شد آن را انکار نمود و من در این مورد با او صحبت کردم. او به من نگاه کرد و بعد قدم زنان از ساختمان خارج شد.

35. به اندازه ی کافی سردرگم شده بودم. تصور می کردم که در بین فرشتگان هستم ولی بعد، از اینکه در بین دیوها نیستم خوشحال بودم. چطور چنین چیزی ممکن بود؟ قادر به درک این مطلب نبودم. این فکر سالها با من بود تا اینکه یک روز....

دیروز با جورج اسمیت، پسری که دختر من را همراهی می کند، به محل آسیاب قدیمی یعنی جایی که من همیشه برای دعا به آنجا می روم رفتم.

- بعد از دو روز ماندن در آنجا روح القدس این بخش از کلام را برای من باز کرد: « زیرا باران بر زمین می بارد تا آن را با علف بپوشاند، لکن خاروخس نیز با همان باران زیست نموده و در نهایت سوزانده می شوند. » زندگی با همان منبع حیات. سپس درک کردم. عیسی گفت: « آنها را از میوه هایشان خواهید شناخت»
36. بنابراین، حال، ریزش باران بر گونه های گیاهی و نباتی، نمادی از باران روحانی است که حیات ابدی را به بار می آورد و بر کلیسا می بارد، چراکه آن را باران اول و باران آخر می خوانیم. و باران آن از روح خدا بر کلیسای او ریزش می کند.
37. توجه کنید، چیز بسیار عجیبی در اینجاست می بینید؟ وقتی بذر آنها به زمین رفت، اگرچه به آنجا رسید، اما از آغاز خار بودند. ولی درجاییکه گندم کاشته شد، گیاهان آن را احاطه کردند و هر گیاهی مرتب خود را ثمر می آورد و نشان می داد که در ابتدا چه بوده است.
38. « اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز همراه کردندی » زیرا آنها همان باران و همان برکت را دریافت می کنند و همان آیات و معجزات را نشان می دهند. می بینید؟ « اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز همراه کردندی. » خار نمی تواند خار بودن خود را تغییر دهد و یا گندم، گندم بودن خود را بلکه این چیزی است که خالق هریک از آنها تعیین نموده است. این برگزیده شده است. همان باران.
39. خورشید در یک صبح طلوع می کند و بر تمام زمین گسترده می شود گویی تنها همین زمان و همین زمینی را که ما در آن زندگی می کنیم در اختیار داشته است. و خورشید، همان خورشیدی که در شرق طلوع می کند، همان خورشیدی است که در غرب می تابد و آن خورشید فرستاده شده است تا بذر را در خاک که بدن ما از آن ساخته شده است بارور کند.
40. ما توسط یک ماده ی مرده زندگی می کنیم. این تنها راهی است که شما می توانید زندگی کنید. و اگر هر روز باید چیزی بمیرد تا شما زندگی کنید، پس این درست نیست که... بدن شما باید با یک ماده ی مرده زندگی کند، برای یک زندگی طبیعی، روحانی، تا بتوانید زندگی روحانی خویش را نجات دهید. و خدا جسم شد و مرد تا ما بتوانیم زندگی کنیم. هیچ کلیسا یا چیز دیگری در دنیا وجود ندارد که بتواند شما را نجات دهد به جز خداوند. این تنها چیزی است که شما می توانید با آن زندگی کنید.
41. حال، کتب را ببینید، عیسی کلمه است... « در ابتدا کلمه بود، و کلمه جسم شد و میان ما ساکن گردید. در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد و زیست.» « و انسان تنها محض نان زیست نمی کند » ، برای جسمانی

- « بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر می گردد. » پس می بینید که ما با کلام زندگی می کنیم و آن، خدا است.
42. حال، خورشید آمده و بذرها را بارور می سازد. اما این باروری یکباره نیست، بلکه در مسیر رشد قرار می گیرد، بطور ثابت بارور می شود تا هنگامیکه یک خوشه ی کامل گردد. امروز، کلیسا نیز چنین است. طفولیت خود را در دوره ی تاریکی آغاز کرد، جایکه زیر زمین قرار داشت. حال به رشد و بلوغ رسیده و ما می توانیم این را کاملاً ببینیم که چطور خدا همیشه توسط طبیعت.....
43. شما نمی توانید طبیعت را مختل کنید. این جریان امروزه است. ما بمب پرتاب می کنیم و اقیانوسها را با بمبهای اتم خود آلوده می کنیم. شما تنها مقدار بیشتری از پلیدی و آلودگی را به آن وارد می سازید. شما درختان را قطع می کنید، طوفان شما را در بر می گیرد، جلوی رودها سد می سازید، طغیان می کنند. شما باید طریق خدا را برای انجام امور بیابید و در آن بمانید. ما مردم را در فرقه ها و کلیساها سازماندهی کرده ایم، و ببینید به کجا رسیده ایم! در راهی که خدا برای آن مهیا نموده است باقی بمانید.
44. اما شما می دانید « او باران را می فرستد» برگردیم به موضوع « او باران را بر بدن و نیکان می باراند.» عیسی این را در متی 24 می گوید، این باید نشانه ای از زمان آخر باشد. حال، اگر این نشانه تنها باید در زمان آخر شناخته شود، پس باید بعد از بازگشایی مهرها باشد می بینید؟ این یک نشانه از انتها است. باید باشد، زمانیکه این امر باید واقع شود، در زمان آخر خواهد بود. حال، این یک نشانه خواهد بود و برگزیدگان، در این امر مبهوت نخواهند گشت. این را می دانید؟ پس باید آشکار و افشا شده باشد.
45. توجه کنید، هم گندم و هم کرکاس هردو از یک مسح آسمانی برخوردارند و هردو در آن وجد می کنند. بعنوان مثال این را در ارتباط با آنروز در آسیاب گرین بخاطر می آورم. در آن رویا که آمد، دیدم که زمین بزرگی بود، ابتدا یک برزگر پیش رفت. چند لحظه در همینجا مکث کنیم. توجه کنید که ابتدا چه پیش می رود و چه چیزی آن را دنبال می کند. مرد سفید پوش به روی زمین آمد و شروع کرد به بذرکاری، سپس بعد از او مردی تیره پوش آمد، خیلی دزدکی و آهسته پشت سر او حرکت می کرد و کرکاس را می کاشت. و بعد از این امر، دیدم که هر دو محصول رشد می کردند، یکی گندم و سایرین کرکاس بودند. سپس خشکسالی آمد، در آن هنگام، هردو آنها با سری خمیده در انتظار باران بودند. سپس ابر بزرگی بر روی آن زمین قرار گرفت و باران بارید. گندم رشد کرد و گفت « جلال بر خدا، جلال بر خدا » و کرکاسها رشد نموده و فریاد برآوردند « جلال بر خدا، جلال بر

خدا « همان نتایج. هردو در حال هلاکت بودند، هردو پیش افتاده بودند و بعد گندم پیش آمده و تشنه می گردد. و چون هردو در همان زمین بودند، در همان باغ، همان مکان، همان فوران، گندم و خاروخس در همان زمین به بار آمدند. توجه کنید، همان مسح آبی که گندم را به بار آورد، کرکاس را نیز به بار آورد.

46. همان روح القدس که کلیسا را مسح می کند، که به آنها آرزوی نجات جانها را می دهد، قدرت انجام معجزات را به آنها می دهد، بر نیکان و بدان یکسان می بارد. عیناً همان روح. نمی توانید مئی 24 : 24 را طور دیگری درک کنید. او گفت: « مسیحان دروغین برخوانند خواست » مسح شدگان دروغین. مسح شده توسط چیزی حقیقی، ولی انبیاء دروغین و معلّمین کذب ی آن. چیزی که بخواهد باعث شود یک مرد، یک معلّم کذب یا چیز دیگری باشد حقیقت است؟ حال، چند دقیقه ی دیگر به علامت وحش می رسم و شما خواهید دید که آن، فرقه است. می بینید؟ معلّمین کذب، مسح شدگان دروغین. مسیحان مسح شده ولی معلّمین دروغین. این تنها طریقی است که می توانید ببینید.

47. چند وقت پیش و درست همینجا این را نقل کردم. باید این را نقل کنم چون در سراسر کشور صدای ما را می شنوند. یک روز داشتم با یکی از دوستانم در مکانی که امروز هستیم، در آریزونا صحبت می کردم. او یک باغ مرکبات داشت. او یک درخت پرتقال داشت که، لیمو، گریپ فرویت، نارنگی و... را به بار می آورد. درست خاطریم نیست که چند میوه ی مختلف روی یک درخت به بار می آمد. یادم می آید که به او گفتم: « چطور ممکن است؟ این چطور درختی است؟ »

او گفت: « خود این درخت در اصل یک درخت پرتقال است. »
گفتم: « پس چه چیزی باعث شده که روی آن گریپ فرویت به بار بیاید و یا چرا لیمو را به بار آورده است؟ »

گفت: « خوب، چون آنها به این درخت پیوند خورده اند. »
گفتم: « خوب، حالا متوجه می شوم » بعد گفتم: « حال، در سال آینده زمانیکه این درخت محصول خود را ثمر بدهد، ثمر آن ترکیبی خواهد بود با نوع دیگر میوه ها که همه ی آنها در همین زمان رسیده اند. » و باز گفتم: « پس اگر این یک درخت پرتقال پیوندی باشد، ثمر آن هم پرتقال پیوندی خواهد بود اینطور نیست قربان؟ »
گفت: « نه هر شاخه ای که پیوند خورده باشد، محصول نوع خود را ثمر خواهد داد »

گفتم: « منظورتان این است که لیمو، روی درخت پرتقال، لیمو را ثمر می دهد؟ »
گفت: « بله، آقا »
« گریپ فرویت روی درخت پرتقال میوه ی گریپ فرویت را ثمر می دهد؟ »

گفت: « بله، این طبیعت شاخه ای است که به این درخت پیوند خورده است »

گفتم: « جلال بر خداوند! »

گفت: « منظورت چیست؟ »

گفتم: « یک سوال دیگر، آیا این درخت پرتقال دیگر هرگز پرتقال ثمر خواهد آورد؟ »

گفت: « زمانیکه شاخه ی دیگری در بیاورد» زمانیکه شاخه ی دیگری در بیاورد و نه هنگامیکه یک شاخه ی دیگر به آن پیوند بخورد. اما همه ی آنها میوه های مرکبات هستند و زندگی مرکباتی خود را دارند که بر درخت مرکبات است.

48. گفتم: « اینهاش! متدیست همیشه متدیست ها را ثمر می آورد. باپتیست همیشه باپتیست ها را ثمر می دهد، کاتولیک همیشه کاتولیک را ثمر می دهد. اما کلیسای خدای زنده، از ریشه، محصول مسیح را به ثمر می آورد. همیشه کلام...»

49. حال شما می توانید آن را پیوند بزنید، می دانید. گریپ فرویت، لیمو، نارنگی، هر مرکباتی که باشد همه ی آنها می توانند روی آن درخت زندگی کنند، ولی برای آن درخت شاهدینی کذب خواهند بود. می دانید؟ آنها در حال زیست و تکامل توسط آن حیات نابی هستند که در آن درخت می باشد.

حال، متی 24 : 24 ، زندگی از طریق همان حیات، اما از همان ابتدا نیز درست نبودند. آنها شاهدان دروغین را برای آن درخت به بار می آورند! این یک درخت پرتقال است، ولی در عین حال یک درخت مرکبات هم هست. و آنها می گویند: « این کلیسا، این فرقه، مسیح را ثمر می آورد » و یک تعمید غلط گرفته اند، شاهدان دروغین کلام هستند، و تلاش می کنند بگویند که قدرت خدا تنها مختص به شاگردان بود.

عیسی، خود گفت: « در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید... هر شاخه ای که در آن درخت بماند... و این آیات همراه شاخه های حقیقی خواهد بود» کجا؟ « مادامیکه این درخت است، مادامیکه تا انقضای عالم شاخه به بار بیاورد. به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبانهای تازه حرف زنند و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند و هرگاه دستها بر مریضان بگذارند، شفا خواهند یافت.» زمانیکه در آن هستیم را می دانید؟ می دانید عیسی چه گفت؟

50. بخاطر داشته باشید، این مربوط به زمان آخر بود نه مربوط به دوران وسلی و آن زمان، در زمان آخر است که این باید رخ دهد.

حال، کتب را نظر کنید و بگذارید که آنها شهادت دهند، عیسی گفت: « کتب را تفتیش کنید زیرا گمان می برید که در آنها حیات جاودانی دارید، و آنهاست که بر من شهادت می دهند.» به عبارتی دیگر، این درخت اگر تابحال شاخه ای بیاورد... « من تاک هستم و

شما شاخه ها، هر که به من ایمان آرد، کارهایی را که من می کنم او نیز خواهد کرد.. « یوحنا 14 : 12 .

51. حال، « هر که در من بماند، او که... در ابتدا در ریشه ی من بوده است. » به همین علت است که عیسی هم ریشه و هم نسل داود بود. او قبل از داود، در داود و بعد از داود بود، هم ریشه و هم نسل داود، ستاره ی صبح، رز شارون، سوسن وادیها، ابتدا و انتها، پدر، پسر و روح القدس. « زیرا از لحاظ جسم ، تمام پری الوهیت در او ساکن بود » « ریشه و نسل داود! » « آنکه حیات برگزیده باشد، حیاتی که از پیش مقدر شده، او در من است» و او کلمه است. « از ابتدا، زمانی که آشکار شود، میوه ی من را ثمر خواهد داد» یوحنا 14 : 12 .

اما سیرین با همین حیات زیست می کنند و خود را مسیحی و ایماندار می خوانند. « نه هرآنکس که مرا خداوند خداوند گوید... »

حال، در زمانهای آخر است که این باید رخ داده و آشکار شود. « زمانی که تمام اسرار خدا باید به اتمام برسد. »

52. این درخت ها، تاک حقیقی و تاک دروغین! شما از سالها پیش موعظه ی من را در این مورد شنیده اید، که چگونه هردو با هم رشد کرده اند. بصورت جسمانی نیز این امر در هابیل و قائن نشان داده شده است، دو تاک که در یک مذبح ملاقات شدند، هردو مذهبی، هردو مسح شده، هردو در آرزوی حیات، و هردو در حال پرستش یک خدا، و یکی پذیرفته نشد و آن دیگری پذیرفته شد.

تنها راهی که باعث شد او « هابیل» پذیرفته شود و عملی متفاوت از برادرش انجام دهد، چیزی بود که بر او مکشوف شده بود. چراکه کتاب مقدس می گوید: « به ایمان...» عبرانیان باب 11 « به ایمان هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است...»

عیسی در مورد مکاشفه ی روحانی و اینکه او چه کسی است گفت: « مردم مرا که پسر انسانم که می پندارند؟ » پطرس گفت: « توئی مسیح پسر خدای زنده »

« خوشبحال تو ای شمعون پسر یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده بلکه پدر من که در آسمان است... و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم » (چی؟) مکاشفه ی راستین کلام. این دوباره تاک حقیقی است. « هابیل، به ایمان! » شما گفتید: « این یک مکاشفه نبود »

53. ایمان چیست؟ ایمان چیزی است که بر شما مکشوف می شود، هنوز رخ نداده ولی شما ایمان دارید که خواهد بود. ایمان، مکاشفه ی اراده ی خداست. پس، از طریق مکاشفه!

54. و امروزه کلیساها حتی به مکاشفه ی روحانی ایمان ندارند. ایمان آنها به مکاشفات دگماتیک یک سیستم فرقه ای است... « به

ایمان هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است. « آمین. امیدوارم که درک کرده باشید. می بینید که در کجا زندگی می کنیم؟ می دانید که در چه ساعتی هستیم؟

مذتی پیش داشتم با یک - با یک آقای محترم، یک محقق مسیحی صحبت می کردم. او می گفت: « آقای برانهام، ما تمام مکاشفات را رد می کنیم.»

55. گفتم: « پس باید عیسی مسیح را نیز رد کنید، چون او مکاشفه ی خداست، خدای آشکار شده در جسم » بجز درک این مطلب، شما گمراه شده اید.

عیسی گفت: « اگر ایمان نیاورید که من او هستم، در گناهان خود خواهید مرد » او، مکاشفه ی خداست، روح خدا که در هیئت بشر آشکار گشت. اگر نتوانید به آن ایمان بیاورید، فنا شده اید. شما او را بعنوان سؤمین شخص، دوّمین شخص و یا هر چیز دیگری در کنار خدا قرار می دهید، در اینصورت، فنا شده اید. « اگر ایمان نیاورید که من او هستم، در گناهان خود خواهید مرد » یک مکاشفه!

56. تعجّبی نداشت که قادر به دیدن او نبودند. « هیچ کس نزد من نمی آید مگر آنکه پدر من او را جذب کند و تمام کسانی که پدر به من داده است » در ریشه « نزد من خواهند آمد » می بینید؟ متوجّه می شوید؟ چنین باید او را محبت کنیم، عشق بورزیم، پرستش کنیم؛ تا میوه ی روح را در ایّام آخر ببینیم و درخت عروس را که در حال ثمر آوردن میوه خود در اوج زمان می باشد.

57. تاک حقیقی و تاک دروغین، هردو از مسیحی یکسان برخوردار بودند، آب بر هر دوی آنان ریخته شده بود. تعجّبی ندارد که او به ما هشدار داد: « اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی»

58. توجّه کنید، آنها یکسان بنظر می رسند، از مسیحی یکسان برخوردارند، ولی توجّه داشته باشید.. « از میوه هایشان... » این را چطور می دانید؟

چطور می دانید که آن یک پرتقال نیست؟ چون گریپ فرویت را ثمر می دهد. این تاک درست است، در آن درخت زندگی می کند، ولی میوه ی گریپ فرویت را ثمر می آورد شباهتی به اولین ندارد.

و اگر کلیسایی می گوید که آنها ایمان دارند « عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است» و قوّت او را انکار می کنند، اعمال او را انکار می کنند، کلام او را انکار می کنند؛ اگر - اگر... کلیسا به عیسی مسیح ایمان دارد، اعمال عیسی مسیح را خواهد داشت، و اگر چنین نباشند، مهم نیست که حیات بر او می بارد، اگر از ریشه و از طریق آن، از پیش مقدر نشده باشد، هربار گریپ فرویت و یا هر چیز دیگری را به ثمر خواهد آورد. اما اگر حیات از پیش مقدر شده باشد، از طریق ریشه، عیسی مسیح

دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است را ثمر خواهد داد، اگر کلامی باشد که از طریق ریشه رشد کند، چراکه او ریشه است، ابتدای زمان.

59. توجه کنید، اما آنچه که آنها به ثمر می آورند، تفاوت را به شما خواهد گفت. «توسط میوه هایشان» عیسی گفت «آنها را خواهید شناخت» «انسان انگور را از خاربدست نمی آورد» ولو اینکه خار بر روی تاک باشد. این ممکن است، اما میوه است که این را خواهد گفت.

میوه چیست؟ کلام، برای میوه و برای زمان، این چیزی است که هست، تعلیمات آنها. چه تعلیمی؟ تعلیم زمان، چه زمانی است، تعلیم انسانی، داکترین فرقه ای و یا کلام خدا برای زمان؟ حال، زمان به سرعت می گذرد، که ما باید در آن میوه می آوریم. اطمینان دارم شما که اینجا حاضر هستید، و شما که در سرتاسر کشور صدای من را می شنوید، می توانید درک کنید که چه می خواهم به شما بگویم، زیرا زمان زیادی برای ماندن در اینجا نداریم.

60. اما ممکن است شما ببینید که مسح بر ناعادلان قرار گرفته و آنها درست کاری را انجام می دهند که خدا آنها را از انجام آن منع کرده است، ولی بهرحال آنها آن را انجام می دهند. چرا؟ آنها کار دیگری نمی توانند بکنند. یک خار می تواند چیزی باشد جز یک خار؟ مهم نیست که چه قدر خوب باران بر آن باریده و آن را سیراب نموده است، این باید یک خار باشد. به همین علت است که عیسی گفت: «آنها بسیار شبیه خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز اغفال می نمود.» آنانی که در ریشه هستند. «اگر ممکن بودی» ولی این امکان ندارد. یک گندم نمی تواند ثمر دیگری داشته باشد به جز گندم، این تنها ثمری است که می تواند داشته باشد.

61. توجه کنید. به خاطر داشته باشید که خدا سازنده ی تشکیلات نیست. شیطان است که سازنده ی تشکیلات است این را از طریق کلام اثبات نموده ام، این را بارها و بارها در گذشته به اثبات رسانده ایم و امروز نمی خواهیم به آن بپردازیم. ما می دانیم که خدا هرگز مردم را به این شکل گردهم سازماندهی نکرد تا یک تشکیلات را شکل دهد. صدها سال بعد از مرگ آخرین شاگرد، پیش از اینکه آنها اولین تشکیلات خود را داشته باشند، همیشه عدم موفقیت و شکست آن اثبات شده است. اگر چنین نیست، چرا امروز در محبت با هم نیستیم، متدیست، باپتیست، پرزبیتری، کاتولیک و همه ی ما؟ چرا اعمال خدا به دنبال ما نیست؟ آن اموری که انسانها را جدا می سازد، برادری... ما امروز بیش از هر زمان دیگری از خدا دور هستیم، در مورد کلیساها صحبت می کنم.

62. حال، به ما گفته شده است که: «تمام ان امور گذشته بعنوان نمونه رخ داده است، برای تعالیم ما، برای سرزنشها و

تذکرات « که تمام آن امور گذشته در عهد عتیق بعنوان سایه ای از آنچه که در عهد جدید و در دوره ی ما باید رخ دهد، رخ داد. . درست مثل اینکه شما هرگز دست خدا را ندیده باشید، و سر خود را بلند کرده و سایه ای را روی دیوار دیده باشید، همانگونه که دست من ممکن است این انعکاس را داشته باشد، اگر در این سایه پنج انگشت وجود داشته باشد، وقتی شما دست خود یعنی منشاء را حرکت می دهید، متقارن با سایه می شود و این منشاء باید مثل آن انعکاس، پنج انگشت داشته باشد.

همانگونه که کتاب مقدس به ما می گوید: « عهد عتیق سایه ای است از امور جدید، چیزهایی که باید بیاید، نه آن چیزهایی که باید بیاید، نه آن چیزهایی که هست، بلکه یک سایه است، یک سایه از چیزهایی که باید بیاید. »

63. برگردیم و ببینیم که آیا تابحال این امر در دوره ی دیگری بوده است؟ مایل هستید؟ [جمعیت می گوید (آمین)] پس خواهیم دانست، برای اثبات آن باید از طریق کلام بازگردیم نه از طریق تفکرات یک انسان یا چند تئوری.

اهمیتی نمی دهم که این انسان کیست، هر انسان دیگری یا حتی خود من « اگر او مطابق با انبیاء و شریعت سخن نمی گوید، نوری در او نیست » می بینید؟ این چیزی است که کتاب مقدس می گوید « هر کلام انسان دروغ و هر کلام من حقیقت است. صرفنظر از اینکه او چه کسی است. »

64. حال بازگردیم و ببینیم که اگر تابحال رخ داده است، نمونه ای به ما بدهد.

حال می توانیم به کتاب خروج بازگردیم و در مورد شخصیتی به نام موسی صحبت کنیم، که یک نبی مسح شده و فرستاده شده از جانب خدا بود، کلام و اراده ی خدا برای نسل خویش.

همانطور که کلام خدا پیوسته تکرار می کند: « او کاری نکرد مگر آنکه ابتدا آن را برای نبی خویش آشکار نمود. » سپس آن را انجام داد. می بینید؟

حال او نمی توانست دروغ بگوید و خدا باشد. نه، آقا. او می بایست حقیقت باقی بماند. در او دروغی نیست. او... .

و او نمی تواند آن را تغییر دهد. اگر این کار را بکند، پس خدا نیست؛ او دچار اشتباه شده است. او باید نامتناهی باشد و نامتناهی نمی تواند مرتکب اشتباه بشود. می بینید؟ پس هرآنچه که خدا می گوید، تا به ابد درست است. می بینید؟ و او آن را وعده داده است.

65. حال، خدا به ابراهیم وعده داده بود که ذریت او مثل غریب در سرزمین غریب چهارصدسال ساکن خواهند شد، سپس او آنها را با قوت و قدرت عظیم از آنجا بیرون آورده، آیات و معجزات خود را در بین مردمی که با آنها ساکن هستند نشان خواهد داد، زمان وعده نزدیک شده بود. قوم، آنها را فراموش کرده بود. آنها

صدوقیان و فریسیان و سایرین و فرقه ها را داشتند. ولی ناگهان خدا به میان آنها آمد.

خدا هرگز، در هیچ دوره و یا هیچ زمانی، تابحال یک نبی را از یک فرقه نخوانده است. خیر، آقا. او بسیار پیچیده شده است، او نمی تواند این کار را بکند، باید با آن فرقه باقی بماند.

66. موسی، مردی فرستاده شده از جانب خدا، با کلام خدا، و در حال بردن اسرائیل به سرزمین وعده، با فرامین اکید خداوند، با یک نبی دیگر روبرو شد، یک مسح شده ی دیگر که مسح ناب همان روح القدس را داشت که بر موسی بود. درست است. او یک نبی بود. روح القدس بر این مرد بود. نام او بلعام بود. همه ی ما با او آشنا هستیم، خوب، همان چیزها، همان اموری که این مرد گفت از حدود بیست و هشت قرن پیش در حال رخ دادن است. « او را شاخها مثل گاو وحشی است، مبارک باد هرکه تو را برکت دهد و ملعون باد هرکه تو را لعنت نماید..... چه زیباست خیمه های تو ای یعقوب! و مسکنهای تو ای اسرائیل! » می بینید، او نمی توانست کاری برای خود بکند، با این نیت قلبی به آنجا آمده بود تا قوم را لعنت نماید.

67. اوه، شما معلّمین کذب که در تمام این سالها به این نوارها گوش کرده اید و می بینید که خدا دقیقاً آنچه را که گفته است تأیید می کند و مطالعه کرده و می دانید که این حقیقت است، و بخاطر تفاوتهای فرقه ای خود آن را انکار نموده اید و به قوم خود می گویید که این حقیقت نیست، وای بر شما! زمان شما نزدیک است.

68. بلعام توسط همان روح القدس که بر موسی بود مسح شده بود. تفاوت در چه و در کجا بود؟ تعلیم موسی کامل بود. کتاب مقدس این را در دوّم پطرس می گوید. اسرائیل « طریق بلعام » را پذیرفت که هرگز بخاطر آن بخشیده نشد. گناه غیر قابل بخشش و غیر قابل عفو. حتّی یک نفر از آنها نجات نیافت، هرچند توسط برکت خدا خارج شدند و دیدند که دست خدا با نبی او می باشد و می دیدند که این کاملاً توسط خدا تثبیت شده است. و چون، یک نبی دیگر با یک تعلیم متضاد آمد و با موسی مجادله نمود، و تلاش کرد تا به قوم بقبولاند که موسی در اشتباه است و داتان و ابیهام... بسیاری از آنها با او توافق داشتند و به بنی اسرائیل تعلیم می دادند که مرتکب زنا شده و بدنبال او روانه شوند، چراکه می گفت: « همه ی ما یکسان هستیم»

« خواه متدیست، باپتیست، پرزبیتیری یا پنطیکاستی و یا هرچیز دیگری که باشیم، همه ی ما یکسان هستیم. »

69. ما یکسان نیستیم! شما قوم جدا شده هستید، مقدسین خداوند، وقف شده به روح خدا و کلام خدا تا میوه ی وعده ی او در این زمان را به بار بیاورید، و شما از آنها نیستید! می دانم که

- سخت است، ولی حقیقت همین است. تخصیص یافته به یک خدمت در این ایام آخر! « از میان او بیرون آید »
70. حال « تعلیم بلعام » و نه نبوت بلعام. نبوت بلعام درست بود. آن، خدا بود. چند نفر به آن ایمان دارند؟ [جمعیت می گوید « آمین »] نبوت بلعام کاملاً درست بود، زیرا او نمی توانست چیز دیگری بگوید. مسح خدا نمی توانست طور دیگری صحبت کند و خدا آن را با اثبات درستی آن تثبیت نمود. اما « این تعلیم بلعام بود » که غلط بود.
71. حال آن را با متی 24:24 مقایسه کنید. مسح شدگان، ولی تعلیم آنها غلط است. تثلیث و هر چیز دیگری از این دست، غلط و ضد مسیح است.
- امیدوارم آزرده خاطر نشوید و تلفن ها را قطع نکنید و برخاسته و بیرون نروید. همانگونه که هستید بنشینید و می بینید که آیا روح القدس این را بر ما مکشوف و اثبات نمی کند؟ شما می گوید: « اما آن ... » به هر چه که ایمان دارید، بنشینید و گوش کنید. و از خدا بخواهید که قلب شما را باز کند، پس خواهید فهمید که آیا شما خاروخس هستید و یا چیزی دیگر. می بینید؟
72. حال، حتی یهودا « برای محکومیتی که داشت از پیش مقدر گشته بود » آنجا در برابر عیسی نشسته بود و عیسی به او گفت: « تو او هستی، هرآنچه می خواهی انجام دهی و هرآنچه باید انجام دهی، به سرعت انجام بده. » او می دانست که می خواهد چه بکند، اما بخاطر سی پاره ی نقره و محبوبیت، خداوند عیسی مسیح را فروخت. یکی از شاگردان او، خزانه دار کلیسا، که عیسی او را « دوست » خود خطاب می کرد. می بینید؟ کتاب مقدس می گوید: « او فرزند هلاکت بود » درست بهمان صورتی که عیسی پسر خدا بود. « گمراهی برگزیدگان در صورت امکان »
73. همانطور که مطالعه می کنیم به دقت توجه کنید. به یک مثال دیگر در کتاب پادشاهان می پردازیم. یک نبی بود به نام میکایا ابن یمله و او یک نبی بود.
- و یک نبی دیگری بود که در رأس تشکیلات انبیاء قرار داشت، مسح شدگان. کتاب مقدس می گوید که آنها « انبیاء » بودند، درست به همان شکلی که گفت بلعام نبی بود، مسح شدگان.
- و یکی از آنها بود که میکایا نام داشت و توسط خدا مسح شده و با کلام خدا فرستاده شده بود.
- یکی هم بود که صدقیا نام داشت و فکر می کرد که توسط خدا فرستاده شده است. او مسح خدا را داشت ولی تعلیم او برخلاف کلام خدا بود. « مسیحان دروغین برخاسته و آیات و معجزات نشان می دهند که اگر ممکن بود برگزیدگان را گمراه می کردند. »
74. توجه کنید، هر دوی آنها دارای مسح بودند، چگونه می شد بگوییم که یکی از آنها درست و دیگری غلط است؟ ببینید که کلام به اخاب چه وعده ای داده بود، نبی ای که در برابر او بود که

نامش ایلیا و از بزرگترین انبیاء آن دوران بود و این آشکار گشته بود که او یک نبی است. آن نبی بزرگ گفته بود که « چون اخاب این عمل شرارت را بجا آورده است، در جائیکه سگان خون نابوت را لیسیدند، سگان خون تو را خواهند لیسید.» و « سگان ایزابل را نزد حصار یزرعیل خواهند خورد...» حال، شما چگونه می توانید کسی را برکت دهید که خداوند ملعون ساخته است؟ یا همانگونه که بلعام گفت، چگونه می توانید کسی را ملعون سازید که خدا برکت داده است؟ می بینید؟

ولی آن انبیاء افراد صادقی بودند. هیچ شکی نیست که آنها افراد خوب و با شرافتی بودند. زیرا، در اسرائیل برای اینکه یک نبی باشی باید شرافتمند و حتی اسرائیلی باشی، در غیراینصورت سنگسار می شدی. آنان مردانی بودند شرافتمند. آنان منتخبین اخاب از سراسر کشور بودند « می بینید خواهر رایت؟ » منتخبین کل کشور، بخوبی مناسب برای...

75. و حال، هنگامیکه میکایا رویای خود را دید، در قلب خویش می دانست که کلام به او چه گفته است، ولی می خواست ببیند روحی که در اوست چه می گوید.

آنها به او گفتند: « تو نیز همان را بگو که سایر انبیاء می گویند و هنگامیکه این کار را بکنی ما تو را به دوستی خواهیم برد، بدون شک این کار را می کنیم» می بینید؟ « تو را یکی از خود می کنیم. تو را به فرقه ی خود خواهیم برد. ما می دانیم که تو نبی هستی ولی همیشه امور محکوم کننده را می گویی. تو همیشه اخاب را محکوم می نمایی « حال، صدقیاء، رئیس آنها، پاپ یا... هرچیزی که بود. « حال او اخاب را برکت داده و گفته است، برو و چنین کن. تو نیز همین را بگو. چراکه تو تنها یک فرد بیچاره هستی. به سختی به جماعت راه داری ولی این افراد به میلیونها دست یافته اند. تمام کشور از آن آنهاست. حال تو نیز همان چیز را بگو و ببین آنها برای تو چه خواهند نمود. تو - تو در کشور ثروتمند خواهی شد « او دارد با فرد نامناسب صحبت می کند.

76. چطور می شود اگر او گفته باشد: « میکایا، آیا تو ایرادی در صدقیاء می بینی؟ » « نه! « آیا تابحال او را در گناه دیده ای؟ « نه! « آیا تابحال دیده ای به کسی ناسزا بگوید؟ « خیر» آیا تابحال او را در حال میخوارگی دیده ای؟ « خیر» آیا می توانی تحصیلات او را انکار کنی؟ « خیر» آیا گمان می کنی مدرک دکترای او دروغ است؟ « خیر» فکر می کنی مدرک P.H.D او درست است؟ « بله، او مدرک خود را از شورای سَنهدرین گرفته است، پس درست است. «

« خوب، پس چرا به او نمی پیوندی؟»

« چون او خارج از کلام است «

77. خوب، ما نمونه ای از آزمون آن را، مثل ایلای نبی خواهیم داشت و اگر شما یک فرزند خدا هستید، با نبی این کتاب مقدس خواهید ماند. این کلام است. به زمان و ساعت توجه کنید.

78. خوب، چه می شود اگر صدقیا گفته باشد «اوه، من می دانم که نبی این را گفته است. اما این مربوط به نسل آینده است. این مربوط به یک زمان طولانی از الآن به بعد می شود»؟ او گفت: «تا زمانیکه یک رویا از خدا ببینم صبر کنید، و بعد به شما خواهم گفت»

گفت: «سپس تو همان را خواهی گفت؟» او گفت: «من تنها آنچه را که خدا بگوید خواهم گفت و نه چیزی دیگر، نمی توانم کلامی به آن افزوده و یا از آن کم کنم.» بعد آن شب و در دعا، خدا در رویا نزد او آمد. صبح روز بعد او رفت و گفت.....
دو نبی وجود دارند.

79. بزرگترین مرد در کشور، در نظر نظامیان و کشور، صدقیا بود. او رئیس انبیاء و منتخب پادشاه بود. او در آن تشکیلات، رئیس تمام انبیاء بود. او توسط تشکیلات خود به این سمت رسیده بود، احتمالاً او تحصیلکرده ترین و واجد شرایط ترین فرد برای این کار بوده است. او توسط روح القدس مسح شده بود. زیرا «نبی» خطاب شده است. بله، نه فقط یک نبی معمولی، بلکه یک نبی عبرانی. حال او را بنگرید.

80. صدقیا می گفت: «خدا با من تکلم نمود، این دو شاخ آهنی را نشانی برای من ساخت» یک نبی معمولاً نشانه هایی دارد. «او گفت این شاخهای آهنی را بساز. روح القدس به من گفت، این مسح که من را مبارک ساخته است بگیرم» این را یک فداکاری در نظر نگیرید بلکه رسیدن به یک نکته. «روح القدس که از طریق من به زبانها صحبت می کند، او که من را تثبیت نموده است گفت: این شاخها را بردار و از طریق اینها، به پادشاه بگو که آرامیان را خواهی زد و من زمینی که به اسرائیل تعلق دارد بدان برمی گردانم، به کلیسا.»

برادر، این بسیار اساسی است، درست مثل بلعام. بلعام هم مثل موسی بنیادین سخن می گفت. موسی..... عدد کامل خداوند، هفت است. و بلعام گفت: «در اینجا برای من هفت مذبح بساز، و هفت گاو و هفت قوچ برایم حاضر کن.» این صحبت از آمدن پسر خدا است. اساساً او نیز به اندازه ی هر یک از آنها درست بود.

81. در اینجا صدقیا را می بینیم، درست به همان اندازه درست و بنیادین. «زیرا این سرزمین از آن ماست، چرا آرامیان و فلسطینیان، دشمنان ما، دل فرزندان خود را قوت دهند و فرزندان ما چنین نباشند! در حالیکه خدا این سرزمین را به ما داده است.»

برادر، این یک اسندلال خیلی خوب است. فکر کنم او می توانست در برابر اسرائیل با تمام قدرت خویش فریاد برآورد و آنها نیز با او. حال، من درحال صحبت از امروز هستم. امیدوارم شما نیز این را دنبال کنید. تمام فریادها و آوازه‌ها.

82. داود را در یکشنبه ی گذشته بخاطر دارید؟ می بینید؟ شما کسانی که اینجا نیستید و یا از طریق تلفن به صدای ما گوش می کنید. اگر پیغام هفته ی پیش را دریافت نکرده اید، آن را تهیه کنید « تلاش برای خدمت به خدا، خارج از اراده ی او» مهم نیست که چقدر خوب و صادقانه، مطلقاً از جانب خدا دریافت نشده است. می بینید؟

حال در اینجا صدقیا را داریم که فکر می کرد حق با او است.
83. میکایا گفت: « بگذارید از خداوند مسئلت کنم» سپس روز بعد با خداوند چنین می گوید به آنجا آمد. او رویای خود را با کلام مطابقت داد.

84. حال، اگر او به صدقیا گفته باشد « می دانی نبی کتاب مقدس گفته است چه بر سر این فرد می آید؟»

85. « اما این بار نه، زیرا او یک مرد شرافتمند است، او دارد تلاش می کند» این را از دست ندهید « او دارد تلاش می کند تا چیزهایی را که به کلیسا تعلق دارد را به آن برگرداند.» نه امور روحانی را، اگر می توانست، مثل ایلیا کشور را به لرزه در می آورد. بلکه تلاش می کرد تا چیزهای جسمانی را به آنها بدهد.» ما صاحب املاک هستیم، ما یک سازمان بزرگ هستیم. ما به آن تعلق داریم. همه ی ما، همه ی شما مردم، شما پروتستانها باید به ما بپیوندید. «

چند لحظه ی دیگر به آن می رسیم « درهر صورت ما برادران و خواهرانیم « این چنین نیست! کلیسای راستین خدا هرگز چنین نبوده و چنین هم نخواهد بود. نمی تواند باشد!

86. توجه کنید، او یک رویا دیده بود، و چنین گفت: « خدا با من صحبت کرد « حال، بدانید که آن مرد صداقت داشت. او گفت: « اوگفت، این شاخها را برداشته، در برابر پادشاه بایست و جهت غرب را نشان بده « یا هر جهتی که آن زمین نسبت به جایی که ایستاده بودند داشت « نشان بده، و این قول خداوند این است خواهد بود که او پیروز خواهد شد و با پیروزی برخواهد گشت، یک پیروزی برای کلیسا. آنها را بیرون خواهد راند! « بسیار شبیه است، نیست؟ جریان چه بود؟ میکایا آمد. او گفت: « حال تو نبوت خود را انجام بده «

87. گفت: « برو، ولی اسرائیل را مثل گوسفندانی بدون شبان پراکنده دیدم « کاملاً برعکس.

88. حال، شما جماعت، کدام صحیح است؟ هردوی آنها نبی هستند. تنها راهی که می‌توانید تفاوت را در آنها ببینید این است که آن را با کلام مقایسه کنید.

صدقیا گفت: «چطور این را دریافت کردی؟»
گفت: «خداوند را بر تختی نشسته دیدم و تمامی لشگر آسمان نزد وی»

89. بخاطر داشته باشید، صدقیا هم گفت که او نیز خدا را دیده است، همان روح. او به من گفت که این شاخهای آهنی را بساز. به آنجا برو و امت‌ها را از آنجا بیرون بران چراکه متعلق به ما است. سایرین به این حقیقت نرسیدند. اگر با خدا مانده بودند می‌توانستند، می‌توانستند آن را داشته باشند ولی از خدا کناره‌جستند.

این طریقی است که تشکیلات، کلیسا، در آن است. نسبت به این امور حق دارد. اما نسبت به آن فریب خورده اید چرا که از روح خدا و کلام خدا، از مسح خدا، که کلام خدا را برای زمان آشکار می‌کند کناره‌جسته اید.

90. توجه کنید که چه رخ داده است. او گفت: «خدا را دیدم» میکایا گفت: «خداوند را بر تخت نشسته دیده و تمامی لشگر آسمان نزد وی به طرف راست و چپ ایستاده بودند. او گفت: کیست که اخاب را اغوا نماید تا کلام ایلیا واقع شود؛ نبی من که اثبات گشته است. من به او تکلم نموده ام و ایلیا کلام من را داشت. آسمان و زمین زایل می‌شوند ولی کلام من تا به ابد باقی است. مهم نیست که آنها چقدر مدرن شده اند یا چقدر خوب بوده اند یا چه تحصیلاتی دارند، چقدر بزرگ هستند، کلام من هرگز زایل نخواهد شد.»

«و یک روح پلید بیرون آمده، به حضور خداوند بایستاد و گفت، اگر اجازه دهی، مسح خود را به آنان خواهم داد، آنها را به آیات و معجزات قادر خواهم ساخت تا جائیکه آنها را از کلام تو خارج کنم و حتی نخواهد دانست که این کلام توست. بخاطر شهرت آن را انکار خواهد کرد.» برادر، زمانها عوض نشده است. برادر نویل، شما بخاطر دارید که این درست است. «بر او قرار گرفته و او را وادار می‌کنم همان کاری را بکند که سایرین انجام می‌دهند، او را وادار به نبوت می‌کنم و دروغ خواهد گفت» چطور می‌توانست دروغ باشد؟ زیرا بر خلاف کلام بود.

91. شما هریک از این تعمیدهای غلط را می‌گیرید، چنین و چنان های کذب، اهمیتی نمی‌دهم که چقدر تلاش می‌کنند تا آن را جعل کنند، اگر بر خلاف کلام خدا برای این زمان باشد، یک دروغ است. همینطور است.

شما می‌گویید «خوب، ما این کار را کرده ایم و این کار را می‌کنیم و کلیسای ما چنین است و چنان است»

اهمیتی نمی دهم که چگونه است، اگر برخلاف کلام مکتوب خدا برای این ساعت است، دروغ است. اگر برخلاف کلام این زمان باشد، خدا هیچ کاری با آن ندارد، مهم نیست که چقدر صادق، تحصیلکرده، باهوش و چقدر درست بنظر می رسد، چقدر منطقی بنظر می آید. اگر وقت بشود تا چند دقیقه ی دیگر عمیقتر به آن می پردازیم، اگر نشد، امشب دوباره آن را بررسی خواهیم نمود.

92. توّجه داشته باشید، او (صدقیا) بدون شک مرد خوب و صادقی بود. او گفت سپس میکایا به او گفت: « تو با یک روح کاذب مسح شده ای » این چیزی بود که بشود به یک اسقف گفت؟ ولی او این کار را کرد.

93. و بعد این اسقف پیش آمده و گفت: « تو دیگر هیچ رفاقتی نداری و به صورت او سیلی زد و گفت: تو می دانی که من یک مرد اثبات شده هستم. کلیسای من، مرا مسئول این کار قرار داده است، قوم مقدّس و محبوب خدا من را بر این امر قرار داده است. تشکیلات ما من را مسئول کرده است. خدا این زمین را به ما داده و می خواهد که از آن ما باشد و من قول خداوند این است را دارم » بر صورت او سیلی زد و گفت: « روح خداوند به کدام راه از نزد من به سوی تو رفت تا به تو سخن گوید؟ »

94. میکایا گفت: « یکی از همین روزها خواهی فهمید » زمانیکه کالیفورنیا زیر دریا باشد و چیزهای دیگر، می بینید؟ « اینک در روزی که به حجره اندرونی داخل شده، خود را پنهان کنی آن را خواهی دید »

95. حال، آخاب، چه می خواهی بگویی؟ او گفت: « من به نبی خویش اعتقاد دارم » اگر او فقط کلام را جستجو می کرد چه می شد؟ می دانید، نمی خواست خود را در اّتهام ببیند. گوش کنید! او نمی خواست خویشتن را در اّتهام ببیند. هیچ انسانی نمی خواهد. و تشکیلات من، و تشکیلات من، برادر، این اتّفاقی است که برای شما می افتد. می خواهید فکر کنید که حق با شماست، وقتی این را در قلب خود می دانید و به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می گیرید در حال دروغ گفتن هستید. می دانید... زمانیکه کارهایی را که می کنید را می گوئید، و این شواهد ابتدایی را می بینید، و تمام چیزهای شبیه آن را، شما در حال اشتباه هستید. چطور صحبت به زبانها و سپس تکلم برخلاف وعده ی خدا در این ساعت می تواند شهادت اولیّه باشد؟ چطور ممکن است؟ شما لعنت را نمی خواهید، می خواهید؟ امّا اینجا مکتوب شده، پس باید باشد. این علامت وحش است، بسیار شبیه است که اگر بتواند برگزیدگان را نیز گمراه کند.

96. هرنشان، هر معجزه، فرد مسح شده، نبوت، تمام این امور، انواع آیات و معجزات، چطور می خواهید تفاوت را بگوئید؟ به کلام این زمان نگاه کنید. اینگونه است که....

97. به موسی نگاه کنید، چطور می توانسته به بلعام گفته باشد. به میکایا نظر کنید، چگونه می دانستیم که حق با اوست؟ کلام، قبل از او و آن را برای اخاب نبوت نموده بود.
- و کلام، قبل از ما، این تشکیلات و لعنتی که بر آنهاست را برای امروز نبوت نموده است. همه ی چیزهایی که باید توسط کلیسای مسح شده ی حقیقی او واقع شود، کلام را خواهد داشت، یک عروس کلام. اینهاش، امروز، بهمان صورتی که بود.
98. کتاب مقدس می گوید: « به سخن دو یا سه شاهد هر سخنی مستند گردد » من از بلعام صحبت کردم، از بلعام و موسی. و حال از میکایا و صدقیا صحبت نمودم. حال می خواهم یک مثال دیگر بزنم که البته صدها نمونه از آن وجود دارند، اما یک شاهد دیگر تا سه شاهد بشوند. تعداد بسیار زیادی از آنها را اینجا نوشته ام، ولی وقت را زیاد نمی گیریم.
99. ارمیا که تثبیت شده، مطرود، ولی از جانب خدا تثبیت شده بود. آنها از او متنفر بودند. میوه های ترشیده و فاسد را به سمت او پرتاب می کردند و یا چیزهایی شبیه این، و او آنها را لعنت نمود. و اعمالی که انجام داد، مسائلی که در اطراف او بود و... نشان از این داشت که اسرائیل در اشتباه بود.
- هر نبی، هر نبی راستینی که تابحال در دنیا برخواسته است، آن تشکیلات فرقه ها را لعنت نموده و محکوم کرده است. چگونه ممکن است که این امر توسط خدای لاتغییر تغییر کند؟
100. روح القدس نبی این ساعت است، اثباتی از کلام خویش، که آن را اثبات می کند. روح القدس، نبی زمان موسی بود. روح القدس، نبی زمان میکایا بود. روح القدس که کاتب کلام است، آمده و کلام را تائید می نماید.
101. حال، در زمان میکایا چه اتفافی افتاد؟ اخاب کشته شد و سگان طبق کلام خدا، خون او را لیسیدند.
- تمام شما معلمین کذب، خداوند می گوید، روزی آنچه را که کاشته اید درو خواهید نمود، ای کوران که راهنمایان کوران هستید! من عصبانی نیستم، تنها یک حقیقت را به شما می گویم. و اگر روح القدس در آن اطاق به من نگفته بود که « به این طریق این را بگو » هرگز اینجا این سخنان را نمی گفتم. آیا تابحال چیزی خطا به شما گفته ام جز آنکه خدا درستی آن را اثبات کرده باشد؟ برادرانم، قبل از اینکه خیلی دیر شود بیدار شوید.
102. ولی بگذارید این را بگویم، یک خار چگونه می تواند بیدار شود و یک خار نباشد در حالیکه از پیش برای این مقدر شده است؟ برگزیدگان چگونه می توانند این را نبینند؟ زیرا آنان برگزیده شده اند تا آن را ببینند. « تمام آنانی که پدر به من داده است خواهند آمد » عیسی گفت: « هیچ کس نزد من نمی آید مگر آنکه پدر پیش از بنیان عالم به من داده باشد، هنگامیکه نام آنها در دفتر

حیات بزّه مکتوب شده بود.» نه یک رهبر کلیسا، بلکه یک کتاب، کتاب حیات بزّه.

103. توجه کنید، ارمیا برخواست، او در برابر قوم به اثبات رسیده بود و آنها همچنان از او متنفر بودند.

104. بعد آنها رفته و یوغی ساختند، او ساخت، و آن را به گردن خویش انداخت و بعد به حضور مردم رفت. آنها می گفتند: « ما امت بزرگ خدا هستیم، چراکه، ما اسرائیل هستیم. ما به کنایس خود وفاداریم، هر یکشنبه در آنجا حاضر می شویم، قربانی می گذرانیم و هدایای خویش را تقدیم می کنیم. چطور نبوکدنصر می تواند اشیاء مقدس خدا را ببرد؟» هاه، گناهان شما این کار را کرده است. خدا گفت: « اگر فرامین من را حفظ کنید این کار را نخواهم کرد، در غیر اینصورت بر شما واقع خواهد شد...» کاملاً درست است. همچنان همان است. حفظ فرامین او، کلام او برای آن زمان، آنچه که او وعده داده است.

105. حال توجه کنید، حال ارمیا، دارای اراده ی خدا، آشکار شده بر مردم، و همچنان از او متنفر بودند... هر یک از آنها در ایام خویش مورد تنفر بودند. آنها اعمال عجیبی برخلاف آن ایام انجام می دادند، همه از آنها متنفر بودند، حتی پادشاه و سایرین. پس او یوغی بر گردن خویش نهاد و گفت: « **خداوند چنین می گوید**، برای هفتاد سال به اسارت خواهید رفت. « چراکه او کلام خدا را درک کرده بود. « هفتاد سال! »

106. سپس حنّانیا، حنّانیا، یک نبی از میان قوم، آمده و یوغ را از گردن ارمیا برداشت و آن را شکست. او گفت: « بعد از انقضای دو سال همه ی ظروف خانه ی خدا به اینجا باز خواهد آمد، **قول خداوند این است**. » و درست در آن زمان بود که او داشت برخلاف کلام خدا سخن می گفت.

دو نبی مسح شده، فرق بین آنها چه بود؟ یکی به کلام تکلم می نمود و دیگری خیر. و ارمیا گفت: « آمین.»

107. در برابر جمعیت و تمام مشایخ، تمام اسرائیل، او می خواست تا خود را به بزرگی ارمیا نشان دهد. « می دانی آنها به تو علاقه ای ندارند و من نیز یک نبی هستم، من نسبت به تو نبی برتری هستم. زیرا تو به دروغ نبوت می کنی و می گویی که قوم خدا تحت انقیاد فلان و فلان خواهد رفت؟ »

این چیزی است که آنها امروز می گویند، ولی شما بعنوان یک کلیسا در آن جایگاه خواهید بود. شما با یک لعنت ملعون گشته اید، همه ی شما کلیساها و فرقه ها که سنت های انسانی خود را بعوض کلام خدا نگاه داشته اید، توسط خدا ملعون شده اید.

108. حال توجه کنید، اینجاست. حنّانیا، یوغ او را، نمادی از خدا را، از گردن او کشید و آن را شکست و گفت: **قول خداوند این است**، دو سال بعد آنها بازخواهند گشت. فقط برای جلب توجه، « من

چنین و چنان هستم» زیرا او در آن بین ایستاده بود، او یک نبی فرقه ای بود.

109. ارمیا یک مرد بیابانی بود که زندگی خودش را داشت. هربار

به بدی برای آنها نبوت می نمود زیرا آنها شریر بودند. و این مرد داشت به آنها می گفت: «تا زمانی که وابسته باشید همه چیز روبراه است. تا زمانیکه اسرائیل هستید، این تنها چیزی است که مورد نیاز است. می بینید، شما، ما... خدا این کار را نخواهد کرد می دانم که اتفاقات کوچکی اینجا افتاده است، هراسان نشوید. نترسید»

اوه، برادر، آنها امروز هم زندگی می کنند. «نگران نباشید، همه چیز مرتب است، همه چیز تحت کنترل است، ما کلیسا هستیم» اینگونه فکر نکنید. بله.

110. پس او گفت: «همه چیز روبراه است، آنها تا دو سال دیگر

باز می گردند. اتفاقات کوچکی افتاده است. این غیرعادی نیست. نبوکدنصر به اینجا می آید ولی خدای ما همه چیز را مرتب می سازد»

ولی کلام گفته بود که آنها هفتاد سال به اسارت خواهند رفت. آن نسل و نسلی دیگر زایل شد، یک نسل چهل سال است. «برای حدود دو نسل به اسارت خواهید رفت» و ارمیا این را بر طبق کلام خدا گفته بود

111. حنّانیا آن یوغ را شکست! ارمیا گفت: «آمین، ولی حنّانیا،

این را بخاطر داشته باشیم، هر دوی ما نبی هستیم، ما خادم هستیم.»

و من این را به تو می گویم برادر من. بخاطر داشته باشیم که قبل از ما انبیایی بودند که بر علیه پادشاهی ها و امور معینی نبوت نمودند. ولی به یاد داشته باش، زمانیکه یک نبی نبوت می کند، باید بر طبق کلام نبوت کند. مانند میکایا و موسی و مابقی آنها. این باید بر طبق کلام باشد. اگر چنین نیست، پس بخاطر داشته باش که چه اتفاقی افتاد.

112. سپس خشم حنّانیا برافروخت و برخاسته گفت: «من حنّانیا

هستم» (بدون شک) «من نبی خدا هستم و می گویم دو سال» به عبارتی دیگر «برایم مهم نیست که کلام چه می گوید» مسح او «من می گویم، دو سال دیگر آنها برمی گردند.»

113. ارمیا از برابر او رفت و گفت: «خدایا، به چیزی که او

گفت اهمیت نمی دهم، هنوز به آنچه که کلام می گوید ایمان دارم، من در راستی تو می مانم و فریب او را نمی خورم»

114. خدا گفت: «برو به حنّانیا بگو یوغ بعدی را از آهن می

سازم» و حنّانیا بخاطر کاری که کرد در همان سال مرد. اینها نمونه های ما هستند، هردو نبی. در این زمان از خیلی های دیگر هم می شد مثال زد.

115. ولی نگاه کنید، عیسی گفت که، در این زمان آخر، دوباره، دو روح بسیار به یکدیگر نزدیک خواهند بود. درست است؟ [جمعیت می گوید « آمین »] حال توجه کنید، این نزدیکی بیش از پیش خواهد بود. این زمان آخر است. اوه، فرزندان، خدا به ما رحم کند. « آنچنان واقعی خواهد بود که اگر امکان داشت برگزیدگان را نیز فریب می داد » چطور این را در ایام آنها گفتیم؟ چطور می خواهید امروز آن را بگویید؟ به همین طریق، ماندن در کلام، « عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است » حال، همه به این پیغام توجه کنید و زمانیکه به این نوار گوش می کنید، شاید روزی، زمانیکه نقشه ی خدا با من بر روی زمین به اتمام رسید، به خواب رفته باشم و شما به این نوار گوش کنید. به صدای من گوش کنید که به شما چه می گویم. اگر خداوند قبل از آمدنش من را برگیرد، بخاطر داشته باشید، من به نام خداوند و با کلام خداوند با شما صحبت کردم. بله.
116. توجه کنید، « آنقدر شبیه خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می کرد » همان آیات و همان معجزات را از طریق همان روح انجام می دهند. درست است؟ [جمعیت می گوید « آمین »] درست مانند انبیایی که در مورد آنها صحبت کردیم. حال، و نیز مکتوب است....
117. اگر می خواهید، به این یکی نگاه کنیم. دوّم تیموتائوس باب 3. این یکی را رها نکنیم. نمی خواهیم که....
118. وقتی به ساعت آن بالا نگاه می کنم، می خواهم بخشی از آن را حذف کنم و فکر نمی کنم نیاز باشد آن را انجام دهیم. توجه کنید.... اگر اینجا ایستاده ام و اینچنین عرق می ریزم، ولی خشنودم و می دانم که این حقیقت است. دوّم تیموتائوس 3 : 8
119. پولس، مردی که گفت: « اگر فرشته ای از آسمان آمده و کلامی غیر آنچه به شما سپردم به شما گفت، اناتیما باد » حال یک فرشته به پایین آمده است. این در دوّم تسالونیکیان... معذرت می خواهم..
120. در دوّم تیموتائوس 3 : 8. حال ببینید که پولس می گوید. این را از آیه ی اوّل بخوانیم و بخوبی گوش کنیم. شما که کتاب مقدس خود را دارید با من بخوانید، شما که ندارید، خوب گوش کنید.
- اما این را بدان که در ایام آخر....
- زیر ایام آخر را خط بکشید، این هنگامی است که قرار است رخ دهد.
- زمانهای سخت پدید خواهد آمد « ما در آنجا هستیم » زیرا که مردمان، خود پرست خواهند بود و طمّاع و لاف زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک

121. به دسته ای که امروز به آن رسیده ایم نگاه کنید، فاسد. حتی مردان در خیابانها، مردان جوان موهای خود را روی پیشانی خود پایین می آورند، درست مثل زلف های زنانه. فساد اخلاقی! سدومی!

122. آیا شما شماره ی این ماه مجله ی Reader's Digest را خوانده اید؟ گفته بود « مردم آمریکا در سنّ » به گمانم « بیست تا بیست و پنج سال در شرایط میان سالی قرار دارند » آنان به انتها رسیده اند! فاسد گشته اند! علم این را می گوید، که یک مرد، و یک زن، درحالیکه هنوز در اوائل بیست سالگی است از نظر فیزیکی در شرایط میانسالی خود قرار گرفته است. آنها فاسد شده اند و بدنشان رو به فساد است.

123. آوه، آمریکا، چند بار خدا انتظار تو را کشید، اما اکنون زمان تو رسیده است. تو دنیا را به فساد می کشانی
« ... لاف زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک، بی الفت و کینه دل... » هیچ محبت حقیقی برای دیگری، مرد به زن و زن به مرد (نه حتی محبت راستین) فساد جنسی!
« غیب گو و ناپرهیز و بی مرّت و متنفر از نیکویی »
به عبارتی دیگر، می گویند « یک مشت خشک مقدّس » یک روز یک نفر در مورد آمدن به کلیسا از مردم می خواست « به آنجا نروید، آن تنها یک کلیسای بزرگ و پر از صدا و هیاهو است »
می بینید « تنفر آنها »

و خیانت کار و تند مزاج و مغرور که عشرت را بیشتر از خدا دوست می دارند

شما می گویند: « برادر برانهام، این کمونیست ها هستند » آیه ی بعد چه می گوید؟

که صورت دینداری دارند (چی ؟) لیکن قوّت آن را انکار می کنند. (کلام، عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است، آشکار شده، وعده ی خدا برای امروز...)

درست مثل حثّانیا، درست مثل صدقیاء، درست مثل بلعام و تمام آن انبیاء کذبه.

صورت دینداری دارند، مسح شده، خادمین از پیش مقدّر شده... می بینید؟

که صورت دینداری دارند لیکن انکار می کنند که او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است... کلام او را انکار می کنند

آنها امروز چه هستند؟ همان چیز، مسح شده، انجیل پنطیکاست را موعظه می کنند، لیکن وعده ی آشکار خدا برای امروز را انکار می کنند. « عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است » این را می بینید؟ [جمعیت می گوید « آمین »]

« زیرا که اینها هستند آنانی که به حيله داخل خانه ها گشته، زنان کم عقل اسیر می کنند که بار گناهان را می کشند و به انواع شهوات ربوده می شوند »

بعضی آمده و تلاش می کنند تا کلام را سوء تعبیر نموده و بگویند، خواهر، اشکالی ندارد که موهای کوتاه داشته باشی، به حرفهای آن آدم احمق گوش نکن. می بینید؟ یا، اگر - اگر این را بپوشی مهم نیست. « آنچه از قلب انسان بیرون می آید او را نجس می سازد » آیا متوجه شده اید که توسط یک روح شریر، شهوانی و کثیف مسح شده اید؟ توجه کنید، شاید شما با موهای کوتاه در گروه کر بخوانید، ولی روح بد را یافته باشید. این بر خلاف کلام است. درست است. این چیزی است که کتاب مقدس گفته است و شما می گویند: « خوب، من موهایم را کوتاه می کنم و این من را محکوم نمی کند » هرکه باشد، اگر یک زن لباس مردانه بپوشد، در نظر خدا این گناه است « این را خدای لایتغیر گفته است

124. اوه، خیلی چیزها، چگونه می توانستیم آن را تجربه کنیم، دوره ی ما می گذرد ولی به اندازه ی کافی می دانید که چه چیزی درست و یا چه چیزی غلط است. من چطور می توانم آنها را به آن وادار کنم؟ چطور می توانم این کار را بکنم؟ بگویید « خوب، روی چه پافشاری می کنی؟ » یک روز، در روز داوری، من شاهدی بر ضد شما هستم، جایی نخواهید داشت که به آن بروید.

125. میکایا چطور می توانست آن را متوقف کند؟ چطور موسی، فریاد زنان، تلاش می کرد تا آن را متوقف کند، و یوشع و تمام آنانی که در بین قوم بودند، تا جاییکه لاوی شمشیر خود را کشیده و آنان را بقتل رسانید؟ آنان درست همین کار را کردند. پیشگویی شده است که آنها این کار را خواهند کرد. آنها این کار را خواهند کرد و شما فکر می کنید که فرقه های آنها تجزیه نمی شوند؟ فرقه های آنها به کلام باز می گردند؟ این، **قول خداوند این است** می باشد، آنها این کار را نخواهند کرد. آیا آنها به سمت ضد مسیح حرکت خواهند کرد؟ دقیقاً. **قول خداوند این است** این کار را خواهند کرد. « تو از چه صحبت می کنی؟ » من باید یک شاهد باشم. شما هم همینطور، همه ی ایمانداران. نگاه کنید....

..... زنان کم عقل را اسیر می کنند به انواع شهوات ربوده می شوند

126. « خوب، سایر زنان چه خواهند کرد » انبیاء کذب! حال گوش کنید. در مورد انبیاء کذب صحبت می کنم. حال، آنها در ایام آخر چه خواهند کرد؟

..... زنان کم عقل را اسیر می کنند به انواع شهوات ربوده می شوند

« خوب، می دانم که سایر زنان... » بسیار خوب ادامه بده.

127. قبل از این اتفاقات بزرگ، اینجا در کالیفورنیا چه گفته بودم؟ « شما مردم لس آنجلس، هربار که به اینجا باز می گردم تعداد زنان با موهای کوتاه و مردان زن نما از قبل بیشتر شده است، واعظین بیشتری به سمت تشکیلات و فرقه گام بر می دارند.

شما بهانه ای ندارید! اگر اعمالی که در تو انجام شد در سدوم و غموره صورت می گرفت تا به امروز ثبات و دوام داشت. اوه، کفرناحوم که خود را به نام فرشتگان می خوانی، لس آنجلس! « می بینید که چه رخ می دهد. او در حال رفتن به اعماق دریاست. چه زمانی؟ نمی دانم که در چه زمانی رخ می دهد، ولی رخ خواهد داد. شما جوانان، اگر من در دوران خودم این را نبینم، شما آن را خواهید دید. او فنا شده است.

دائم تعلیم می گیرند... لکن هرگز به معرفت راستی نخواهند رسید حال، قسمت تکان دهنده اینجاست، گوش کنید.

و همچنانکه یئیس و یمبریس با موسی مقاومت کردند، ایشان نیز با راستی مقاومت می کنند که مردم فاسدالعقل و مردود از ایمانند که البته، یکبار به مقدسین سپرده شد.

« از نظر ایمان... » « او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید »

128. « مردود از ایمان » آه، می دانید مردود به چه معناست؟ اگر

کتاب مقدس اسکوفیلد داشته باشید بالای کلمه مردود یک حرف H است. درست بالای آن می گوید: « ارتداد » یک ارتداد، این، آن چیزی است که هست.

129. حال چند لحظه، باید به چیزی در اینجا نگاه کنم. فکر می

کنم اینجا یادداشت کرده باشم. مطمئن نیستم بهمین دلیل می خواهم قبل از گفتن آن را بخوانم. یک دقیقه لطفاً. [فضای خالی روی نوار] « ایمان » تنها یک ایمان وجود دارد. درست است.

حال می خواهم لوقا 18 را بخوانم. چند لحظه. نیاز نیست زیرش را خط بکشید... مجبور نیستید.

« و برای ایشان نیز مثلی آورد در اینکه می باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید

پس گفت که: در شهری داوری بود که نه ترس از خدا و نه از باکی از انسان می داشت

و در همان شهر بیوه زنی بود که پیش وی آمده می گفت، داد مرا از دشمنم بگیر

و تا مدتی به وی اعتنا ننمود و لکن بعد از آن با خود گفت، هرچند از خدا نمی ترسم و از مردم باکی ندارم

لیکن چون این بیوه زن مرا زحمت می دهد به داد او می رسم، مبادا پیوسته آمده، مرا به رنج آورد.

خداوند گفت: بشنوید که این داور بی انصاف چه می گوید؟

و آیا خدا برگزیدگان خود را که شبانه روز بدو استغاثه می کنند، دادرسی نخواهد کرد، اگرچه برای ایشان دیر غضب باشد؟

به شما می گویم که به زودی دادرسی ایشان را خواهد کرد. لیکن چون پسر انسان آید، آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟ «

130. حال، سوال این است. می خواستم به اینجا برسم، به مکاشفه باب 10. تا چند دقیقه ی دیگر با آیاتی دیگر از کلام به آن می پردازیم. او گفت: « در ایام پیغام فرشته ی هفتم سرّ خدا باید به اتمام برسد » اینجا جایی است که سوال مطرح می شود « آیا ایمان را خواهم یافت؟ » آیا ملاکی باب 4 در این زمان تحقق پیدا خواهد کرد، « برگرداندن ایمان پسران به پدران و ایمان پدران به پسران. به منشاء به کلام؟ » می بینید؟

131. « مستهزئین، همانگونه که ینیس و یمبریس مقاومت می کردند » حال، با دقت به دوّم تیموتائوس 3 : 8 گوش کنید. « و همچنانکه ینیس و یمبریس با موسی مقاومت کردند، ایشان نیز با راستی مقاومت می کنند... » حال، جایی را ببینید که می گوید: « صورت دینداری دارند » مسح شدگان. حال، می توانید وقتی به منزل بازگشتید این را بخوانید و من اگر بتوانم امروز صبح این بحث را به اتمام می رسانم. « مردودین... » نه مردودین در زندگی، آنها در زندگی خوب هستند، مردمانی تحصیلکرده هستند.

132. حال به زمانیکه موسی با پیغامی حاوی قول خداوند این است به سمت مصر حرکت کرد توجّه کنید. پیغامی که آشکار و اثبات شده بود، به اسرائیل اعلام شده بود که یک قوم بودند، نه یک کلیسا. اسرائیل یک قوم بود، آنها هرگز یک کلیسا نبودند. چراکه کلمه ی کلیسا به معنی « دعوت شدگان به خروج » می باشد. آنها قوم خدا بودند، سپس زمانیکه تحت مسح کلام قرار گرفتند، کلیسای خدا شدند، سپس به گناه بازگشتند، زیرا آنها به کلام خدا ایمان نداشتند و به یک نبی کاذب گوش کردند. امیدوارم که درست درک کرده باشید.

اسرائیل، قوم خدا، که بدست خدا از مصر بیرون آمده، توسط کلام و ... با قدرت خدا مسح شده، آیات و معجزات خدا را دیده است و زمانیکه خدا داشت با آنها حرکت می کرد، یک نبی کاذب ظاهر می شود، مسح شده، و چیزی را تعلیم می دهد که بر خلاف کلام اصیلی است که آنها شنیده اند، و همه ی آنها در بیابان مجازات شدند.

133. « همانگونه که در ایام نوح بود، که در آن جماعتی قلیل یعنی هشت نفر به آب نجات یافتند، آمدن پسر انسان چنین خواهد بود » « مثل ایام لوط، جاییکه سه نفر از سدوم خارج شدند، هنگام ظهور پسر انسان چنین خواهد بود » من تنها دارم کتاب مقدّس را نقل قول می کنم، کلام خدا را، که، « آسمان و زمین زایل می شود ولی کلام خدا تا به ابد باقی است »

134. به اینجا توجّه کنید. موسی به سمت هارون حرکت کرد. موسی قرار بود خدا باشد. خدا به او گفته بود که خدا باشد. گفته بود: « او برای تو به قوم سخن خواهد گفت، و او مر تو را به جای زبان خواهد بود، و تو او را به جای خدا خواهی بود » بگذار هارون نبی تو باشد، و اگر تو نمی توانی خوب حرف بزنی کلام را

در دهان او بگذار. گفته بود: « کیست که زبان به انسان داد، و گنگ و کر و بینا و نابینا را که آفرید؟ آیا نه من که یهوه هستم؟ »

و او به آنجا حرکت کرد. او چه کاری کرد؟ او درست همان کارها و معجزاتی را انجام داد که خدا به او گفته بود انجام دهد. « عصای خود را به زمین بینداز، این کار را کرد و عصا ماری گشت. « آن را برداشت و دوباره به عصا تبدیل شد. گفت: « به نزد فرعون برو و بگو **خداوند چنین می گوید.**»

135. و زمانی که فرعون این را دید گفت: « چی؟ چه حقه ی جادوگری ناچیزی » گفت: « می دانی، این چیزی نیست جز یک تله پاتی فکری یا چیزی شبیه این. می دانی، ما در تشکیلات خودمان کسانی را داریم که می توانند همین کار را انجام دهند، اسقف فلان و فلان بیایید اینجا، و تو، تو به اینجا بیا. ما آنها را داریم که همین کار را می کنند. « این شیطان بود که از طریق فرعون صحبت می کرد. آن، خدا بود که از طریق موسی صحبت می کرد.

136. اما به کسانی که آمدند نگاه کنید. ینیس و یمبریس در برابر موسی ایستادند و در برابر تمام قوم، هر معجزه ای که موسی انجام می داد را انجام می دادند. « اگر ممکن بودی برگزیدگان را هم گمراه کردندی...» درست است؟ همان کاری را می کردند که موسی می کرد. متوجه شدید؟ حال بخاطر داشته باشید این، **کلام چنین می گوید** است که دوباره در ایام آخر تکرار خواهد شد. فرق بین موسی و یمبریس چه بود؟

موسی گفت: « آب به خون تبدیل شود » و این انبیاء دروغین گفتند: « حتماً، ما نیز آب را به خون تبدیل می کنیم »

137. سپس موسی گفت: « پشه ها بیایند » او چگونه این کار را می کرد؟ مستقیماً از جانب خدا. می بینید؟ و آنان چه کردند؟ گفتند: « خوب، حتماً، ما نیز می توانیم پشه ها را پدید آوریم » و این کار را انجام دادند. هر معجزه ای که موسی انجام می داد، آنان نیز قادر به انجام آن بودند. به یاد داشته باشید، این را بخاطر بسپارید، مدتی دیگر به آن خواهیم پرداخت. آنان می توانند هر کاری که بقیه انجام می دهند را انجام دهند، ولی نمی توانند با کلام بمانند، آنها نمی توانند با کلام بمانند.

138. حال توجه کنید، آنها این کار را می کردند. ولی موسی، فرستاده ی حقیقی خدا، گماشته شده از جانب خدا، هرگز بر آنان هیا هو نکرد که می گفتند: « بیا، تو نمی توانی این را انجام دهی! نمی توانی » او آنها را بحال خود واگذارد، اجازه داد تا ادامه دهند. انبیاء تشکیلات آنها، ولی او به کار خویش ادامه داد.

موسی تنها ادامه داد و به خدا گوش کرد. هرآنچه خدا می گفت: « حال، این کار را انجام بده » و موسی همان کار را انجام می داد. او کاری جدید انجام می داد. زمانیکه آنها این کار را می کردند، هرکدام یک اثری داشتند. درست همانگونه که موسی انجام می داد.

139. حال توجه کنید. این افراد... اوه، این را از دست ندهید! این دغل بازان و مقلدین درست بعد از اینکه فرستاده حقیقی به آنجا رفت ظاهر شدند. می بینید؟ آنها آمدند تا تقلید کنند. می بینید، آنها مجبور بودند که این کار را بکنند. شیطان قادر به خلق چیزی نیست، او تنها تحریف کننده و جعل کننده ی منشاء و اصل است.

به حنّانیا نگاه کنید، یک تحریف کننده ی کلام اصیل. به بلعام نگاه کنید، یک تحریف کننده ی کلام اصیل. به صدقیا نگاه کنید، یک تحریف کننده ی کلام اصیل.

و کتاب مقدّس گفت که این افراد خواهند آمد برای... برای تحریف کلام اصیل و آشکار شده و اثبات شده برای حقیقت.

140. « عمل مبشر را بجا آور! زیرا ایّامی می آید که تعلیم صحیح را متحمّل نخواهند شد بلکه بر حسب شهوات خود خارش گوشها داشته، معلّمان را بر خود فراهم خواهند آورد، و گوشهای خود را از راستی برگردانیده، به سوی افسانه ها خواهند گرایید » درست است، ما همان آیات و معجزات را داریم و باید از راستی رو برگردانیم و به سمت افسانه ها بگراییم.

141. اوه، هشدار روح القدس، همان هشداری که وقتی انسان از فکر کردن به اینکه این امور، چقدر آشکارا و واقعی در برابر ما رخ می دهد دست می کشد، به جان او می خورد! آن ستون را بیرون از اینجا ببینید و کاغذی را که سی سه سال است روی آن است بخوانید. ببینید که او آن روز صبح در آنجا در خیابان هفتم، زمانیکه این ستون گذاشته می شد، چه گفت. حال آن را نگاه کنید. به همین رودخانه نگاه کنید، هنگامیکه فرشته ی خدا بصورت ستون آتش پایین آمد، صدها کلیسا، یا اعضای کلیساها کنار ساحل ایستاده بودند، آنچه او گفت را شنیدند، و می بینید که به وقوع پیوسته است. می بینید که چه رخ داده است.

خیلی سخت است. برادران، می دانم که بسیار سخت به نظر می رسد، ولی این... کتاب مقدّس می گوید. عیسی خود گفت: « اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز همراه می کرد » هیچ راهی ندارد. آنها هرگز قادر به دیدن این نخواهند بود. اگر ممکن بود برگزیدگان هم فریب آن را می خوردند.

142. توجه کنید. این افراد بعد از اینکه موسی، مسح شده ی حقیقی خدا به آنجا فرستاده شد، ظاهر گشتند، و هر کاری که موسی می کرد، آنها تقلید می کردند.

143. حال، خواهر، برادر، من... این کلیسای من است، من باید این حق را داشته باشم، تا زمانی که از کلام خدا باشد، هرچه می خواهم موعظه کنم. من شما را محکوم نمی کنم، ولی بیایید این مطلب را در مورد زمان و ساعتی که در آن هستیم جستجو کنیم.

درود بر برادر رادل Ruddell، به برادر جونیور جکسون و آنها که خارج از اینجا هستند، کلیسای برادر ما. فکر می کنم آنها نیز امروز به دلیل کمبود جا در این مکان، از طریق تلفن با ما همراه هستند.

144. حال فقط یک لحظه به این فکر کنید. آنها همان معجزاتی را انجام می دادند که موسی انجام می داد. موسی شپش ها را آورد، آنها از آن تقلید کردند و آنها هم شپش ها را آوردند. می بینید؟

خدا گفته بود: « روزی که از آن بخوری، هرآینه خواهی مرد »

145. شیطان آمده و گفت: « مطمئن باشید، نخواهید مرد. با هوشتر باشید. شما یک تشکیلات بهتر خواهید داشت. یک... می دانید، همه چیز برای شما بهتر خواهد بود، نور بیشتری خواهید داشت. » می بینید، یک انحراف اخلاقی. باید ...

و بخاطر داشته باشید، **خداوند چنین می گوید**، طبق دوام تیموتائوس 3 : 8 که: « در ایام آخر، که این ینیس و یمبریس بر روی زمین خواهند بود » حال، می خواهم توجه داشته باشید که آنها دو نفر هستند. می بینید، مقلدین.

146. حال، بعد از چند دقیقه می خواهیم به سدوم بازگردیم، سه نفر آنها، سه فرشته ی آنها که پایین آمدند، و تقلید را ببینیم. ببینیم کدام درست و کدام غلط است. می بینید؟

147. توجه داشته باشید، آنها همان معجزات را انجام دادند. ولی توجه داشته باشید، آنها درست بعد از مسح حقیقی کلام شروع کردند به تقلید، بعد از مسح شده ی راستین کلام که توسط خدا فرستاده شده بود، آنها رده دوم بودند.

خوشحال می شوم اگر یک دقیقه فکر کنیم. حدود بیست سال پیش بود که داشتم برای افراد دست گذاری می کردم که علائمی آشکار گردید. نشانه هایی که بر روی هرکس و هر چیز قرار گرفته بود... .

یک نفر بر روی دست راست خود آن را داشت، دیگری بر روی دست چپ و دیگری... می بینید، همه نوع... و من در تعجب بودم... خدا اجازه نخواهد داد تا الآن به شما بگویم که حقیقت چه بود، ولی یک روز این را خواهید فهمید. این تنها آشکار شدن حماقت آنها بود. اگر خدا اجازه بدهد، یک روز به شما خواهم گفت.

148. توجه کنید، آنها همان معجزات را انجام می دادند، اما آنها... دقت کنید، آنها این کار را تا زمانی که کلام اصلی ابتدا حرکت نکرده بد انجام ندادند. این همان طریقی است که

شیطان در باغ عدن انجام داد. این همان روشی است که او همیشه دنبال می کند. ابتدا چه کسی نبوت نمود؟ موسی. ابتدا چه کسی به روی صحنه آمد، موسی یا بلعام؟ می دانید منظورم چیست؟ [جماعت می گوید « آمین »]

149. توجه کنید، آنها تقلید نمودند. مقلدین جسمانی، صادق، فکر می کردند که « به خدا خدمت می کنند » درست مثل داود، در موعظه ی هفته ی قبل، ولی تقلیدی جسمانی. تنها یک لحظه ... می خواهم بین این مکانها تفکر کنید. اگر من این را نگویم مطمئناً روح القدس این را آشکار خواهد نمود، مخصوصاً برای برگزیدگان. می بینید؟

150. فرقه ی فرعون می گوید: « ما مردانی داریم که می توانند همین کارها را انجام دهند » و این کار را کردند. می بینید؟ چرا فرعون این کار را کرد؟ چرا خدا اجازه ی این کار را داد؟ چرا خدا باید یک نبی مسح شده ی راستین را به آنجا بفرستد تا آن اعمال را در برابر فرعون انجام دهد، سپس به یک تقلید فرقه ای اجازه دهد تا در برابر قوم این اعمال را تقلید کند؟ چرا باید به یک مقلد اجازه دهد که برخاسته و این کار را انجام دهد و دقیقاً همان کاری را انجام دهد که روح راستین خدا انجام داده بود؟ می بینید، کلام باید محقق شود.

151. توجه کنید، او این کار را کرد تا قلب فرعون و مصریان را سخت سازد تا ثابت سازد که موسی تنها کسی نبود که کلام را داشت. آنها می توانستند هرکاری را درست همانگونه که موسی می توانست انجام دهد، انجام دهند.

و چرا خدا اجازه می دهد که این امر در این ایام رخ دهد؟ همان روح کاذبی که به صدقیا گفت: « چگونه می خواهیم اخاب را وادار سازیم تا این امر را محقق سازد؟ » چگونه می خواهد این مردم را وادار سازد تا به کلیسایشان اتکا داشته باشند تا به اینجا نیایند و این چیزی که او پیشگویی کرده بود واقع شود؟ آنها، در این دوران کلیسای لائودیکیه « زیرا می گویی که دولتمند و بی نیاز هستی، مانند ملکه نشسته ام. هیچ نداری! نمی دانی که تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان؟ به تو نصیحت می کنم که « طلا و روغن » را از من بخری» چرا این کار را کرد؟

152. چرا او اجازه داد تا این تقلید در این ایام آخر برخیزد، هنگامیکه این امور از طریق کلام راستین خدا در حال تحقق هستند و اجازه داد تا این مقلدین بیایند و همان کار را انجام دهند، و کلام راستین خدا را انکار نمایند؟ او برای موسی این کار را کرد، و فرعون در برابر موسی این کار را کرد و یَنیس و یَمبریس این کار را بر علیه موسی انجام دادند. و کتاب مقدس گفت که این امر در ایام آخر دوباره تکرار خواهد شد. ما اینجا هستیم. حال، اگر این تحقق کتاب مقدس نیست، در کجا است؟

153. آیا موسی بر آنها فریاد برآورد که: « ببینید، ببینید، شما نمی توانید این کار را انجام دهید، من تنها کسی هستم که برای این کار مقدر شده است. همین الان این کار را متوقف کنید «؟ او آنها را به حال خود واگذارد.

اجازه داد تا ادامه دهند، به یاد داشته باشید که کتاب مقدس گفته است: « همانگونه که حماقت آنان آشکار گردید، اینان نیز در این ایام چنین خواهند بود. « هنگامیکه عروس ربوده شده و به آسمان برده شده است. توجه کنید.

154. موسی، کلام راستین آشکار شده، هرگز چیزی نگفت، فقط آن را رها کرد، پس قلب فرعون سخت گردید، فرعون فریب خورد.

او عیناً همان کاری را کرد که توانست از طریق آن اخاب را فریب دهد. و آن مرد کوچک که به تنهایی آنجا ایستاده بود، میکایا، به آنها می گفت **قول خداوند این است**، اینجا فردی دیگر ایستاده بود، مسح شده، **خداوند چنین می گوید**، و یکی برخلاف دیگری.

155. امروز ما با قول **خداوند این است** ایستاده ایم که در ایام آخر باید تعمید آب به نام عیسی مسیح باشد و یک انسان دیگر می ایستد و معجزات انجام می دهد، یک تثلیثی.

کلمه ی تثلیث را در کتاب مقدس به من نشان دهید. به من جایی را که سه خدا باشند نشان دهید. به من نشان دهید که چنین اموری کجا هستند. این در کلام خدا نیست. چنین چیزی که هرگز کسی به نام « پدر، پسر، روح القدس» تعمید یافته باشد و از این عناوین استفاده شده باشد وجود ندارد. همه ی این امور، « اوه، خواهران ای ایرادی ندارد. این اشکالی ندارد... موهای کوتاه شما. این ایرادی ندارد. تو مجبور نیستی /ین، آن، یا دیگری را انجام دهی. اوه، این ها بی معنی است. اینها عقب ماندگی است. «

اما کتاب مقدس می گوید و او وعده داده است: « در این ایام آخر او روح ایلیا را خواهد فرستاد و قوم خدا، فرزندان خدا را خواهد خواند تا به ایمان اصلی مانند آنچه که در ابتدا و از کلام بود بازگرداند. « این کلام تائید گشته بود، پسر انسان در ایام آخر، همانگونه که در سدوم بود. این وعده ی خداست و **قول خداوند این است** می باشد.

156. توجه کنید، آنها همان کار را کردند، درست همانگونه که موسی انجام داد، تا هنگامیکه خداوند آن را کافی دید.

حال بخاطر داشته باشید این، **قول خداوند این است** می باشد و در این ایام تحقق خواهد یافت. حال در دنیا جستجو کنید، در هر فرهنگ، هر تعلیم، هر انسان، هر کلیسا، من به نام مسیح شما واعظین را مسئول این کار می کنم تا روزنامه ها را بخوانید و به هر جاییکه می خواهید بروید و آن را ملاحظه کنید و ببینید که آیا هم اکنون این امر در دنیا انجام نشده است؟ می بینید؟

پس مئی 24 : 24 کاملاً درست است. « زیرا در ایام آخر انبیاء کذب و مسح شدگان دروغین خواهند بود و بسیاری را گمراه خواهند کرد

« حال به انواع آن نگاه کنید. ببینید، » بسیاری را گمراه خواهند کرد « انبیا » جمع، « مسیحان » مسح شدگان، جمع، تعداد بیشمار و مختلف، می دانید، متدیست، باپتیست، پنطیکاستی و... می بینید؟

اما یک روح و مسیح حقیقی وجود دارد و آن، کلمه است که جسم پوشید، همانگونه که وعده داده بود. حال با چند بخش دیگر از کلام کمی جلوتر می رویم.

157. زمانی که خداوند انجام آن را کافی دید، این امر به پایان رسید، حماقت آنها آشکار شده بود.

158. دقت کنید، پوسته ی گندم کاملاً شبیه دانه ی گندم است. می بینید؟ در زمان مارتین لوتر نمی توانستید بگویید که « ساقه، خود گندم است » تا زمانی که حیات در آن جاری شد، ساقه خوب است، حیات درون ساقه خوب بود، اما بخاطر داشته باشید که حیات پیشروی می کند! این حیات از ایلیا به الیشع پیش رفته بود. حیات همیشه در حال پیش رفتن است. ولی، بخاطر داشته باشید، این در یک مرحله ی دیگر است، نمی تواند در آن مرحله باقی بماند. ما نمی توانیم مردار یک دوره ی دیگر را بخوریم. ما نمی توانیم مردار پنطیکاستی، متدیست یا باپتیست را بخوریم، می بینید، این خوراک دیگر گندیده است. ما خوراک تازه را داریم، کلام این ساعت و....

159. به یاد داشته باشید، پوسته کاملاً شبیه دانه ی گندم است. شما نمیتوانید... در ساقه و یا در خار نبود که به دانه ی گندم شباهت داشت اما مطمئناً در پوسته شباهت داشت. در لوتر... شباهتی به عیسی مسیح دیروز... نداشت، در وسلی نداشت، اما در پنطیکاست داشت. « اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی »

160. اما بخاطر داشته باشید که کلیسای پنطیکاستی، در ایام آخر، کلیسای لائودیکیه بود. و مسیح، هسته، گندم، بیرون آن بود. زمانی که او تلاش نمود،... بخاطر داشته باشید، زمانی که او تلاش نمود تا خود را در کلیسا آشکار سازد، به بیرون برده شد. اما همچنان این یک کلیسا بود، ادعای کلیسا بودن داشت، مسح شده. اما کلام اینجاست، خود مسیح، این کلام مسح شده است که باید برای بقیه ی بدن بیاید، برای عروس. مسح شده، از همان آبی که گندم را آبیاری نمود، همانطور که در مورد آن صحبت کردیم، کرکاس ها را نیز آبیاری نمود، مسح شدگان. تنها برگزیدگان، یا از پیش تعیین شدگان قادر به تشخیص تفاوت بین آنها خواهند بود. حال، افسسیان 1 : 5 این را و چگونگی آن را به شما می گوید.

161. آنها مسح شدگان هستند. همه می گویند « جلال بر خدا! ما در اینجا آزادی را یافته ایم. هلولیاه! ما... اوه، هلولیاه! ما به زبانها صحبت می کنیم. ما به آزادی زنان رسیده ایم، شما تلاش

می کنید آنها را تحت هر امری قرار دهید» می بینید؟ ادامه دهید. کاری نیست که بتوانید انجام دهید. می گویند: « ما به زبانها صحبت می کنیم، در روح می رقصیم. کلام را موعظه می کنیم. « دقیقاً همینگونه است. این افراد مذکور در کتاب مقدس هم چنین می کردند. هیچ چیزی بر خلاف آن نمی توان گفت.

عیسی گفت: « اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی»

162. پوسته ی گندم را بخاطر داشته باشید. از دانه ی اصلی، دانه ای که در زمین قرار گرفت، تشکیلاتی وجود نداشت. این تنها یک دانه بود. اما هنگامیکه رشد کرد، دیگر یک دانه نبود، یک تشکیلات بود. برگها و دانه ها، می بینید.

سپس وارد مرحله ی دیگری شد. همچنان شباهتی به ابتدا نداشت. این یک تشکیلات بود. به پوسته (سبوس) رفت، برگهای بیشمار، پنطیکاست، حالا تقریباً شکل گرفته بود. به آن نگاه کنید. در تمام مدت در حال شکل گیری است. درست به همان صورت، زمانیکه به آن نگاه می کنید کاملاً شبیه دانه ی گندم است.

اما بالاخره این آشکار شده است، بدون تشکیلات، حامل دیگری نیست، تشکیلات تنها یک حمل کننده است. ساقه باید می مرد، پوسته باید می مرد، هر چیز دیگری باید می مرد، اما گندم به حیات ادامه می دهد. این بدن رستاخیز است که پایین آمده و آنها را بالا می برد. « بسا اولین که آخرین می گردند و آخرین که اولین می گردند. « می بینید، آنها را در رستاخیز بالا می برد. آیا این را دنبال می کنید؟ [جمعیت می گوید « آمین»]

163. پوسته دقیقاً شبیه گندم به نظر می رسد و کسی که مزرعه ی گندم دارد ممکن است با دیدن آن بگوید « جلال بر خدا، محصول گندم را بدست آوردم » درحالیکه حتی یک دانه ی گندم هم بدست نیاورده است. این دقیقاً شبیه گندم به نظر می رسد، ولی گندم نیست بلکه پوسته.

164. حال، دوستان، با من به عقب برگردید. اولین احیا از کجا آمد، بعد از « مرگ » ایامی که دانه ی گندم، بدن، عروس مسیح باید در زمین فرو می رفت؟ مسیح عروس خود را سازماندهی کرد؟ درست است، کلیسای خویش را؟ او هرگز آن را سازماندهی نکرد بلکه انبیاء و رسولان و ... را در کلیسای خود مقرر داشت ولی در نیقیه، رم، سیصد و شصت سال بعد، آن را سازماندهی کردند و آن تشکیلات را حاصل نمودند. درست است؟ و آن، مرد. هرچیز که در توافق با کلیسا نبود به کام مرگ سپرده شد و هنوز صدها سال است که در چرک و پلییدی قرار دارد.

اما بعد از مدتی، لوتر از آن بیرون آمد. اولین جوانه ها پدیدار شدند. دومین، از آنجا جوانه زد. آنها پیش رفتند، زوینگلی و سایرین، و دیگر تشکیلات را پدید آوردند. سپس، بعد از مدتی نوبت رسید به انگلیکن Angelican .

و بعد چه ائتفاقی افتاد؟ و سلی با یک احیای تازه از راه رسید. خوشه، این اندکی بیشتر به گندم شباهت دارد. بعد چه شد؟ سازماندهی شد، خشکید و مرد.

حیات به پوسته وارد شد، و پوسته بیشتر به شباهت گندم درآمد. اما در نهایت، در هشت تا ده سال اخیر، مخصوصاً در سه سال گذشته، حماقت آن آشکار گردید. حال چه می کند؟ از گندم جدا می شود.

165. حال چرا در خلال این بیست سال گذشته در این بیداری عظیم با وجود انبیاء و معلمین مسح شده تشکیلاتی شکل نگرفته است. چرا؟ بعد از دانه، چیز دیگری وجود ندارد. می بینید، دانه بازگشته است، بدون تشکیلات، بدون فرقه. اوه، خدای من، یک نابینا می توانست آن را ببیند. این نمی تواند سازماندهی شود، چون اساساً بر ضد آن است. چون این، خود، دانه ی گندم است. پسر انسان آشکار خواهد شد. دانه ی گندم به خود دانه ی گندم بازخواهد گشت، پسر انسان در ایام آخر. « مسیحان کاذب و انبیاء دروغین برخواسته ... تا اگر ممکن باشد، حتی برگزیدگان را نیز همراه کنند. » به پوسته ی تشکیلاتی آنان که اکنون در حال کنار رفتن است نگاه کنید.

166. این گندم را تنها برگزیدگان که خود، بخشی از آن هستند خواهند شناخت. توجه کنید، چقدر زیبا بیان شده است. تنها... توجه کنید، مسح شدگان، برگزیدگان راستین و از پیش تعیین شده، افسسیان 1 : 5 ، قادر خواهند بود. آنها تنها کسانی هستند که فریب نخواهند خورد. توجه کنید، انبیاء کذب خواهند بود، و در میان آن انبیاء، مسح شدگان راستین خواهند بود. چطور می خواهید این را بیان کنید؟ از طریق کلام. همانگونه که سایه ی آن را داریم. متوجه این می شوید؟ بگویید « آمین » [جمعیت می گوید « آمین »] می بینید؟

167. توجه کنید، مسح شدگان، تنها کلام است که آنها را از یکدیگر متمایز می کند نه آیات و معجزات. آنها همان آیات را به انجام خواهند رساند ولی این کلام است که آنها را متمایز می کند. همه ی آنها نبوت نمودند همه ی آنها این و آن و ... را انجام دادند، درست به یک شکل. عیسی گفت همه ی آنها همان اعمال را انجام می دهند. اما کلام، چیزی است که آنها را از یکدیگر متمایز می کند.

168. توجه کردید؟ عیسی در مٹی باب 24 این را گفت. او نگفت که « در ایام آخر عیسی های دروغین ظهور خواهند کرد » اوه، نه، آنها هرگز طاقت چنین چیزی را نخواهند داشت. یک پنطیکاستی را می یابید که واقعاً پنطیکاستی باشد، که خود بگوید « عیسی » است؟ یک متدیست، باپتیست و یا یکی از فرقه ها یا کسی شبیه اینها که بگویند « ما عیسی هستیم »؟ آنها هرگز این کار را نخواهند کرد.

اما کتاب مقدس می گوید که آنها باید « مسیحان دروغین » باشند نه عیسی ها، بلکه « مسیحان دروغین » آنها نمی توانند بگویند « من عیسی هستم »

169. اما آنها « مسیحان کذب » هستند و این را نمی دانند، چون برخلاف کلام هستند و خدا همین را اثبات می نماید. این را بعنوان یک نشانه ی نهایی در اینجا مطرح می کنم، چون انجام همین کار را توسط این مردم دیده اید و عیسی این را گفته است.

170. حال، شما کسانی که از طریق تلفن با ما در ارتباط هستید، همانطور که گفتم قصد متهم کردن شما را ندارم، اما این کلیسای من است و گروهی که روح القدس من را بر آن مقدر کرده است و باید حقیقت را به آنها بگویم.

171. حال، آنها تحمل آن را نخواهند داشت، ولی، « مسیحان کذب » مسح شدگان دروغین، تقریباً با هر آیات و هر کلمه ی خدا شهادت خواهند داشت. « آنها به تعמיד روح القدس ایمان دارند » ؟ مطمئناً دارند. « به همه ی اینها ایمان دارند؟ » بله. « به تکلم به زبانها ایمان دارند؟ » بله. این متدیست ها نیستند، باپتیست ها نیستند، نه، نه، پنطیکاستی ها هستند. می بینید، ایام آخر است.

حال، اولین دوره ی کلیسا هرگز به آن توجه نکرد. دوره ی کلیسای متدیست به آن توجه نکرد. عصر باپتیست متوجه آن نشد. آنها هرگز متوجه آن نشدند. اما پنطیکاستی بسیار نزدیک و شبیه آن چیز اصلی است. آنجا جایی است که پوسته بسیار به گندم شبیه است. آنها هرگز به این توجه نمی کنند. می بینید؟ آنها نمی توانستند، ولی این ایام آخر است، این روز. بله، آقا.

172. توجه کنید، درست همان حالتی که در ابتدا بود، در انتها نیز به همان صورت خواهد بود. همانطور که حوا یک کلمه را سوء تعبیر نمود، یعنی شیطان این کار را با حوا کرد و او آن را باور کرد. او (مؤنث) نه مذکر. کلیسا، نه او. می بینید؟ کلیسا، کسی بود که کلام غلط را پذیرفت. می بینید؟ نه آدم، بلکه حوا. نه مسیح، بلکه کلیسا، عروس، مسح شده، کسی که خود را عروس می خواند، می بینید، او کلام غلط را دریافت نمود.

می توانید این را درک کنید؟ از آنجهت که، آنها بهم پیوسته هستند، مثل بند کفش، مانند مژگان چشم شما. زیرا هرچه که شما به کتاب مقدس مراجعه خواهید کرد، ... با هم پیوسته..... حوا نه آدم، حوا آن را باور کرد نه آدم. به اصطلاح، عروس بود که باور کرد نه مسیح. عروس، در درون خود همه نوع به اصطلاح عروس را دارد، با همان آیات و همان معجزات، یکسان در همه چیز ولی حقیقی نیستند. می بینید؟ « اگر ممکن بود برگزیدگان را می فریفت » .

حال، اگر بتوانیم به سرعت این موضوع را در پانزده دقیقه به پایان برسانیم، سر وقت جلسه را به پایان خواهیم برد. حال، خیلی دقیق توجه کنید تا برای شما سوء تفاهمی ایجاد نشود.

173. حال، خیر، آنها نمی توانستند متحمل این باشند که « عیسی دروغین » خوانده شوند آنها تحمل این را ندارند که « عیسی » خطاب شوند. مطمئناً نه، این بسیار ساده است. هرکس این را می تواند بداند. همه می توانستند بدانند که آنها عیسی نبودند. اهمیتی نمی دهم که آنها روغن ... هر کس که از شعور درستی برخوردار بود می دانست که آنها عیسی نبودند. می بینید؟ آنها طاقت این را نداشتند، ولی خود را « مسح شده » خطاب می کنند و آیات و معجزات انجام می دهند» تا برگزیدگان را گمراه نمایند « مسیحان کذب، مسح شدگان ظاهر خواهند شد و « اگر ممکن بود برگزیدگان را گمراه می کردند»

174. حال به دقت توجه کنید. این مطلب را از دست ندهید چون ارزش گوش کردن را دارد.

175. پس، بسیار شبیه خواهند بود، کتاب مقدس این را می گوید. می بینید؟

176. توجه داشته باشید، نه عیسی های کذب « مسیحان کذب » ظاهر خواهند شد « مسیحان » جمع، فرقه ها و غیره، مسح شدگان، مسح شده توسط یک روح فرقه ای و نه از طریق کلام. متوجه می شوید؟ نه یک عیسی کذب، بلکه « مسیحان دروغین » یعنی کسانی که دارای مسح هستند، مسح شدگان، می بینید؟ اوه، چقدر ساده! ... مطمئناً این را فراموش نخواهید کرد.

177. حال، بخاطر دارید که همیشه گفته ام مردم به سه دسته تقسیم می شوند یعنی، ایماندار، ایماندار ظاهری، و بی ایمان. همیشه اینگونه بوده و اینگونه نیز خواهد بود. می بینید؟ موسی - ایماندار، و یئیس و یمبریس هم بی ایمان بودند. می بینید؟ بلعام، موسی ... همیشه مردم سه دسته بوده اند ایماندار، ایماندار ظاهری، و بی ایمان.

178. حال به خاطر داشته باشید که بی ایمان، کلیسای فرقه ای، اصلاً به آیات و ... اعتقادی ندارد، سرد و رسمی، کلیسای دنیا، فرقه. اما شبه ایماندار، همان پوسته ی گندم است. او کسی است که تظاهر به ایمان می کند و بعد، ایماندار حقیقی را داریم که واقعاً راستین است.

179. و توجه کنید، این بی ایمانان و یا شبه ایمانداران و بی ایمانان چقدر گستاخ هستند. خدای من! آنها گستاخ هستند، درست مانند شیطان که در برابر کلام راستین ایستاد و گفت: « مکتوب است » درست است؟

چرا شیطان این کار را کرد؟ زیرا او نمی دانست که ... او می دانست که کلام متعلق به آن زمان بود، ولی شک و تردید داشت که

- این مرد فروتن همان کلام باشد. « اگر تو پسر خدا هستی، چون می دان که پسر خدا خواهد آمد، چون گفته شده است که این کار را خواهد کرد و مکتوب است... فرشتگان خود را درباره ی تو فرمان دهند... » می بینید؟ « این را به من ثابت کن! یک معجزه انجام بده! بگذار ببینم که این کار را می کنی » می بینید؟ می بینید؟ ببینید، بی ایمان و شبه ایماندار، یعنی مقلد. در همان زمان نگاه کنید به یهودا که در بین شاگردان بود، شبه ایماندار! می بینید؟ دقت داشته باشید که کلام راستین هم آنجا بود.
180. آنها چقدر گستاخ هستند! « به آن چرندیات توجه نکنید، چیزی در آن نیست. فقط قیل و قال است. همه ی آن توهمی بیش نیست » آنها این را می گویند، می بینید، می بینید منظورم چیست؟ در برابر کلام می ایستند و این را می گویند.
181. همانگونه که کتاب مقدس می گوید، شیطان بلافاصله در یهودا نفوذ کرد. زمانیکه رئیس فرشتگان با شیطان منازعه می کرد گفت: « خداوند تو را توبیخ نماید » بر خلاف کلام.
- و ضد مسیح اینجاست، مسح شده، درست همینجا بر ضد کلام ناب آن روز، عیسی مسیح ایستاده و می گفت: « مکتوب است »
182. به ایام آخر نگاه کنید « چنان شبیه خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز همراه می نمود » او، خدای من! می دانید چرا برگزیدگان همراه نمی شوند؟ به دلیل این است که آنها، کلام هستند. می بینید؟ درست مانند حیاتی که در ریشه است. این را مدتی پیش گفتم. این کلام است و زمان آن. درست است.
183. درست مانند ارمیا، او می دانست. مهم نبود که حنائیا چه می گفت، او می دانست که در کجاست و این درست مانند موسی و سایر آنها است. او می دانست، مهم نبود که نبی کاذب چه می گفت، کلام خدا وجود داشت، مکتوب بود.
- به این دلیل است که میکایا می توانست بگوید « بسیار خوب، صبر کنید و ببینید »
- خاب می گفت: « من به انبیاء خود اطمینان دارم. تشکیلات من درست است. زمانیکه به سلامت بازگردم... این فرد را به زندان بیندازید و او را به نان تنگی و آب تنگی بپرورید تا من به سلامتی بازگردم »
184. میکایا گفت: « اگر تو به سلامت بازگردی خداوند با من تکلم نکرده است » او می دانست که **قول خداوند این است** را دارد و کاملاً با **قول خداوند این است** بود؛ به برای زمانی دیگر، بلکه برای همان زمان. آمین! هلولیاه!
185. گستاخ، ایستاده و با رئیس فرشتگان منازعه می کرد. می گویند « احمقان با کفشهای - با کفشهای... جایی قدم می گذارند که فرشتگان از قدم گذاشتن در آن بیمناکند. »

186. دلیل اینکه عیسی گفت برگزیدگان فریب نخواهند خورد این است که آنها، کلام هستند. آنها نمی توانند چیزی دیگر را بشنوند. چیز دیگری را نمی شناسند. درست است.

به یاد داشته باشید؛ موسی توسط آن مقلدین کنار زده نشد، شد؟ آیا موسی گفت: « فرعون یک دقیقه صبر کن. می دانی چیست؟ خدا به من گفت که این کارها را انجام دهم، ولی جلال بر خدا، می بینیم که مردان تو نیز قادرند همین کار را انجام دهند. پس می دانی چه می کنم؟ من نیز به شما می پیوندم »؟ این شبیه یک نبی خدا نیست. واقعاً خیر. او به همان استواری که می توانست ایستاد. او می دانست که خدا به هر طریق، همه چیز را در دست خواهد داشت، چون او این وعده را داده بود « با تو خواهم بود، تو را ترک نخواهم کرد»

187. او این را می دانست. بنابراین با آنها پیوند نخورد. او خواهان هیچ یک از فرقه های آنان نبود. او با خدا ماند. او فریفته ی اعمال آنها نشد. وقتی آنها کاری می کردند او شپش ها را آورد، آنها هم شپش ها را آوردند، او آب را به خون تبدیل کرد، آنها نیز چنین کردند. هرکاری که او می کرد، آنها نیز آن را تقلید می کردند. او همچنان ایستاد. او دقیقاً می دانست که خدا مشغول کار است.

حال، متوجه می شوید؟ [جمعیت می گوید « آمین »] دو را با دو جمع کنید حاصل می شود چهار؟ [« آمین »]

188. چرا؟ آنها فریب این را نخواهند خورد، ایمانداران حقیقی، آنها ذریت پیش برگزیده هستند که باید در این روز باشند.

189. عیسی نیز این را گفت: « بسا در آن روز مرا خواهند گفت: خداوندا! خداوندا! آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر ساختیم؟ » عیسی گفت: « در ایام آخر، وقتی زمانها به پایان رسد و قیامت عظیم برپا شود، بسیاری آمده و در ملکوت خدا سهم خواهند بود « ملکوت خدا در درون شماست.

کرکسهای بسیاری خواهند آمد و درکنارگندمها قرار گرفته و می گویند: « حال، یک لحظه صبر کن خداوندا! من به زبانها صحبت کردم، من در روح رقصیدم، دیوها را اخراج نمودم و به زبانها صحبت کردم. من همه ی این کارها را انجام دادم
او چه می گوید؟ توجه کنید: « دور شوید از من ای شیران که هرگز شما را نشناختم »

190. شرارت چیست؟ از یک نفر بپرسید. یعنی « کاری که شما می دانید باید انجام دهید ولی آن را انجام نخواهید داد » آنها کلام را می دانستند. آن را می شنیدند. شما که به این نوار گوش می دهید، شما که به این پیغام گوش می دهید، می بینید که خداوند چنین می گوید، او را می بینید که این کلام را تائید می کند و آن را به حقیقت مبدل می سازد. اما شما همچنان به فرقه

هایتان چسبیده اید، به این امور کذب چسبیده اید، شما بدکاران.

« اوه، بله، من جلسات بزرگی داشته ام. من چنین و چنان کرده ام. »

« دور شوید از من ای بدکاران، هرگز شما را نشناختم. »

191. « خوب، روح القدس بر من ریخت » ذره ای به آن شک ندارم. « من به زبانها صحبت کردم، در روح خواندم و... » هیچ تردیدی در آن نیست. اوه، برادر، خواهر، چه شرایطی! حال وقت لرزه است. در کجا هستیم؟ حال این کلام به حیات وارد می شود. توجه کنید.

192. بله، او گفت که آنها چنین خواهند نمود. توجه کنید: « بدکاران » من یک بخشی از کلام را اینجا نوشته بودم. فقط نمی دانم آنرا کجا گذاشتم. گمانم متی 7 : 21 بود. بعضی اوقات اتفاق می افتد که مثل الان در حال موعظه هستم، و فراموش می کنم که به کدام قسمت کلام استناد کرده بودم. متی 7 : 21 ، « نه هرکه مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد. » « بسیاری در آن روز خواهند گفت، خداوند! خداوند! به نام تو نبوت نمودیم ... »

انبیاء، مسح شدگان! درست است؟ « آیا ما نبی نبودیم؟ آیا مسح شده نبودیم؟ مسح شدگان؟ آیا من به نام تو نبوت نمودم؟ و یا به نام تو دیوها را اخراج نکردم؟ » چطور می توانید تمام این کارها را انجام دهید و از تعمید یافتن به نام عیسی طفره می روید؟ می بینید؟ اوه، خدای من! چگونگی فریب را می بینید؟ اوه، خدای من! چگونگی فریب را می بینید؟ درست در همان مفهوم، سپس باز می گردند. آنها به کنار کلام می روند سپس بازمی گردند. حال این را ببینید. تا چند دقیقه ی دیگر به این می رسیم. ... بسیار خواهند گفت ... آیا ما نبوت نکردیم، ما نبی نبودیم؟ ...

بله، در متی 24 : 24 در مورد آن صحبت کردم ... و به نام تو ... دیوها را اخراج نمودم؟ و به نام تو آیات و معجزات ... اعمال بسیار؟ و در آن وقت آنها را خواهم گفت، هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید ای بدکاران.

« زمانی که این درست در برابر شما قرار داشت و حرکت آن را و اینکه این کلام است را می دیدید، و بخاطر رضای فرقه ایتان به فرقه ها چسبیدید. هرگز شما را نشناختم. اهمیت نمی دهم که چند دیو را اخراج کردید و یا چقدر چنین و چنان کردید. اصلاً شما را نمی شناسم. »

بلعام می گفت: « به نام تو درست نبوت نمودم و به تحقق پیوست »

193. « این کاملاً درست است، ولی، هنگامیکه به کلام می رسد، آن را رد می کنید »

اوه، برادر، فریب را می بینید؟ نه « نبی » بلکه توسط کلام، کلام راستین، اثبات شده و آشکار شده. « شما بدکاران »

194. تلاش، شیطان تلاش کرد تا کلام راستین را جعل کند. ما این را می دانیم. نمی دانیم؟

195. به اینجا نگاه کنید، او در عبرانیان باب 6 که مدتی پیش آن را خواندیم گفته است. به شما گفتم که آن را علامت بگذارید و حال آن را می خوانیم او گفت:

.... لکن اگر خار و خسک متروک و قرین به لعنت و در آخر سوخته می شود.

شما که لذت عطای سماوی را چشیده اید....

« چشیده اید » به بیان دیگر، دیده اید که درست است. « و روح القدس بر شما می ریزد » کرکاس در مزرعه و سپس رو برگردانیده

« همان مسیح که شما را تقدیس نموده، فراخوانده، و مسح را بر شما قرار داده است انکار می کنید. « برای آن ... دیگر قربانی گناهان باقی نیست

این غیر قابل بخشش است! « غیر ممکن است که آنها به معرفت حقیقت برسند »

.... زیرا محال است برای آنانیکه شریک روح القدس گشتند....

روح، که بر کرکاسها می ریزد، می بینید، ولی زمانیکه با کلام برخورد می کنید، بازمی گردید. « شریک روح القدس گشته، حتی چشیده و دیده اید کلامی را که کلام آشکار شده است. « و بعد، از آن روگردان می شوید. « برای آنها محال است که این را ببینند و به سمت آن بیایند » این، **کلام چنین می گوید** است. حال شما... « آسمان و زمین زایل می شوند ولی کلام تا به ابد باقی است » این را می دانید؟ « محال است » کتاب مقدس می گوید؛ و روح آن را بارور می سازد.

196. توجه کنید، بگذارید برای شما یک مثال کوچک بزنم. به آن قومی که تحت نبوت موسی از مصر خارج شدند نگاه کنید، از آن تشکیلات خارج شدند، از همه چیز خارج شدند. آیات و معجزات عظیمه و این چنین را دیدند و به مرز ورود وارد شدند.

حال، لی Lee، نام تو « در دفتر می آید » می بینید؟ شما که اینجا نیستید، و یا از طریق تلفن به ما گوش می کنید، دکتر لی وایل Lee Vayle اینجا نشسته است. او درحال ویراستاری کتاب اعصار کلیسا است. و مسئله ای که هست، در مورد سوالات شما بابت، « محو شدن نام شما از دفتر حیات برّه » که این خیلی از خادمین را گیج

گرده است، اما تا زمان دریافت کتاب صبر کنید. اگر نوری در خود داشته باشید آن را درک خواهید کرد. می بینید؟

197. حال، توجه کنید. اگر نخواهید آنرا ببینید، سر خود را برگردانده و حتی به آن نگاه هم نخواهید نمود. مثل مادر من که همیشه می گفت: «نمی توانی از شلغم خون بگیری، چون خونی در آن وجود ندارد»

198. توجه کنید، نور باید بیاید، این در تاریکی نیست. نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را درنیافت. حال به مسح شدگان این دوره توجه کنید.

مانند موسی که بنی اسرائیل را بیرون آورد، آنها گوش کردند و همه ی آنها با آن امت عظیم ... حال، اسرائیل بسیار به یکدیگر وابسته بودند، آنها زمین و یا خانه ای نداشتند، اسرائیل داشت به خانه ی خود می رفت.

ما هیچ کلیسایی نداریم. ما... ما در حال رفتن به یک کلیسا هستیم، کلیسای نخست زاده، کلیسایی که در جلال است، نه کلیسایی که بر زمین است. کلیسایی که در جلال است، فراخواندگان، از پیش برگزیدگان برای حیات ابدی، به خانه ی خود می روند.

و زمانیکه آنها به جایی رسیدند که باید از آن عبور می کردند، به کلام شک کردند و بازگشت نمودند. بعد از اینکه یوشع و کالیب و جاسوسان آنها از بازرسی زمین بازگشتند و شاخه های انگور را با خود آوردند تا ثابت کنند که آن سرزمین آنجاست، کلام وعده ی خدا، «این زمین نیکوست که به شیر و شهد جاری است» میوه ها را آوردند تا به آنها اثبات کنند و قوم از آن میوه ها چشیدند و گفتند: «اوه، اوه، بهرحال نمی توانیم این کار را بکنیم» چه رخ داد؟ آنها به هلاکت رسیدند. همانجا ماندند و خود را سازماندهی کردند و همه ی آنها در آنجا مردند.

به جز آنهاییکه آماده ی حرکت بودند، یوشع و کالیب و موسی که منتقل گشت. نمونه ای برای انتظار کلیسا، و قیام در عهد عتیق، عهد جدید و بدن ربوده شده. این سه را می بینید؟ باید آن سه را در یک راستا حفظ کنیم، پس در ایماندار و بی ایمان. می بینید؟

199. توجه داشته باید که این چقدر «کامل» بود. به یاد داشته باشید، خداوند هرگز آن گناه را عفو نکرد، حال چطور می خواهند به سرزمین وعده وارد شوند؟ اگر در ابتدا خار بود، در انتها نیز خار است. تنها کسانی که از پیش برگزیده هستند، آن را خواهند دید.

200. حال، به دقت توجه کنید. درست مانند ایام سنت مارتین، درست قبل از دوره ی تاریکی، یک مرد باخدا. چند نفر تابحال نوشته های سنت مارتین را خوانده اند؟ بسیاری از شما خوانده اید. ما به جایی مراجعه کرده بودیم تا یک نسخه از آن را دریافت کنیم، کشیش می گفت: «ولی او که قدیس اعلام نشده بود» مطمئناً همینطور است، زیرا آنها او را قدیس اعلام نکرده بودند

بلکه خدا. روح القدس به ما گفته است که او فرشته ی سوم آن دوران کلیسا است. می بینید؟

201. ببینید که او چه مرد باخدایی بوده است دعوت شده، از پیش برگزیده. والدین او بت پرست بودند. پدرش سرباز بود. او باید راه پدرش را ادامه می داد تا یک سرباز باشد، و زمانیکه این کار را کرد، همیشه با خود فکر می کرد که باید خدایی در جایی وجود داشته باشد، مردی از ... و می توانست خدا را ببیند. یک روز از در حال عبور از یک شهر بود، پیر مرد بی خانمانی در آنجا بود که از شدت سرما رو به موت بود. آن شب، شب سردی بود. آن پیر مرد به مردم می گفت: « او، چیزی به من بدهید تا خود را به آن بپوشانم. امشب از سرما خواهم مرد »

202. هیچ کس این کار را نمی کرد. مارتین چند لحظه ای را در گوشه ای ایستاد و برای مدتی به او نگاه کرد. کسی به او توجه نمی کرد و مارتین هم یک ردا بیشتر نداشت، اگر آن را به او می داد خودش هنگام انجام وظیفه از سرما یخ می زد. پس با خود فکر کرد: « اگر من این ردا را نصف کنم هر دوی ما شانس زندگی خواهیم داشت.» پس ردای خود را در آورد و با شمشیر آن را به دو نیم کرد و آن پیر مرد را در آن پیچید و نیم دیگر را نیز به دور خود پیچید.

همه می گفتند: « نگاه کنید، چه نگهبان مضحکی. نگاه کنید، چه سرباز مضحکی. او یک ردای نصفه را بر تن کرده است! ».

203. شب بعد که مارتین در حال نگهبانی نبود و در تخت خود در حال استراحت بود، ناگاه نگاه کرد و عیسی مسیح را دید که در میان اطاق ایستاده است درحالیکه همان تگه ردای قدیمی را دور خود پیچیده است. فوراً دانست که: « هر چه بر این صغار بکنید، بر من کرده اید، بر مسح شده ی من.» که آنجا قرار داشت. او یک خادم خدا بود. کلیسا او را تمسخر نمود، او را آزار دادند، بیرون انداختند و خیلی کارهای دیگر، اما او نبی خدا بود. آنچه او می گفت، واقع می شد. بسیاری هم هستند که در آن دوره به او ایمان داشتند.

204. می خواهم به شما نشان دهم که فریب شیطان چگونه است. یک روز او مشغول مطالعه بود که یک فرشته ی مقتدر نمایان شد با تاجی برسر، کفشهایی از طلا، بند دور ردایش از طلا و گفت: مارتین، من را می شناسی؟ « گفت: « من هستم خداوند و نجات دهنده ی تو من کسی هستم که تو را نجات داد، من را پرستش کن مارتین. « اما آن نبی می دانست که یک چیزی در آنجا عجیب است، و بعد، به آن فرشته خیره شد. فرشته گفت: « مارتین، من نجات دهنده تو عیسی مسیح هستم. من را پرستش کن. من را نمی شناسی مارتین؟ »

205. همینطور که مارتین به او نگاه می کرد، کلام از ذهنش عبور می کرد و ناگهان گفت: « شیطان از من دور شو، تو تاج بر سر

داری در حالیکه کلام می گوید که در انتها، این مقدّسین هستند که تاج بر سر او خواهند نهاد»
آیا این نمی توانست یک دام پنطیکاستی باشد؟ به کلام نظر کنید
....

206. یک روز دیگر، در صومعه، یک قدیس پیر با گروهی از راهبان بودند. یکی از آن راهبان جوان به نوعی تند مزاج بود. این را نظر کنید، این - این یک مثال خوب است. این راهب می خواست که چیزی بالاتر از سایر راهبان باشید. او می خواست خودش را نشان دهد، اقتدار و بزرگی خود را، چیزی بهتر، نسبت به همه ی کلاس، می دانید، یک چیز عظیم. او مجبور بود تا ... می دانید، مجبور بود تا متمایز باشد. می بینید؟ او، مهم نیست که چه بود، او بسیار متکبر بود. او تنها شنی در ساحل بود. کسی نمی توانست به او نزدیک شود. حال ببینید که چه رخ داد، او مجبور بود چیزی بزرگ داشته باشد، زیرا با انجمن های بزرگ مقایسه می شد، حواستان هست؟ می بینید؟ پس گفت، یعنی نبوت نمود «خدا من را نبی نیز قرار داده است، من یک نبی هستم.»
حال، در آن سرزمین تنها یک نبی شناخته شده بود و آن، سنت مارتین بود. او نبی به دنیا آمده بود.

207. اما این بچه، این دوست جوان، راهب تقریباً بیست و پنج ساله می گفت: «خدا من را بعنوان نبی برگزیده است و می خواهم آن را به شما اثبات کنم. امشب خداوند می خواهد یک ردای سفید و بزرگ بر تن من کند، و در میان شما قرار دهد. بعد همه ی شما باید به نزد من بیایید و از من دستور خواهید گرفت.»

208. حال، آن را با امروز مقایسه کنید. می بینید، «من رئیس تشکیلات خواهم بود. من از شما، سایر شما راهبین مراقبت خواهم نمود.»

و مطمئناً «در آن شب، نوری بر آن ساختمان قرار گرفت» همانطور که مکتوب مارتین می گوید. آن را بخوانید. این موثق است، تاریخ است. و نور آمد. بقیه آنها آن را تماشا کردند و ... او یک ردای سفید برتن داشت و در میان آنها ایستاده بود. او گفت: «دیدید به شما چه گفتم؟» اما این برخلاف کلام است.

209. و هنگامیکه او به ریش سفید آن کالج رسید، اندکی بالا و پائین رفت و بعد گفت: «پسرم، همه چیز به نظر خوب است» و بعد گفت: «تنها یک راه وجود دارد، تنها یک راه برای دانستن آن وجود دارد. این خارق العاده به نظر می رسد» پنطیکاست باید ریشه، شاخه و ... و همه چیز دیگر. «معجزه خوب به نظر می رسد، اما با کلام مطابق به نظر نمی رسد. حال ما یک فردی را داریم، یک نبی مسح شده به نام مارتین، به آنجا و نزد او برو.»

«سپس پسر گفت: «نه، نه، این به مارتین ربطی ندارد»

210. پیر مرد گفت: « به هر صورت تو خواهی رفت » و آنها بازوی او را گرفته نزد مارتین بردند، و آن ردا او را ترک نمود.
211. می بینید: « اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می کرد » می بینید؟ عیسی گفت: « گوسفند من، آواز مرا تشخیص می دهد. » او، شما می گوید « صدای من را بشنو » این کلام اوست. « انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد » می بینید؟ برگزیدگان این را می دانند « آنها به دنبال یک صدای غریبه و یا کلام غریبه نخواهند رفت »
- این برای آن افراد هم صادق بود. آنها نمی توانستند آن را دنبال کنند. آنها می دانستند که مارتین آنجاست، یک نبی شناسانده شده از جانب خدا و از طریق کلام. و آن مرد نمی توانست در برابر آن بایستد.
212. او همچنین گفت: « هر جا گوشت تازه ای باشد » یا کلام باشد، « آنجا، در زمان، عقابها جمع می شوند » حال این در، ... اگر می خواهید علامت بزنید در متی 24 : 28 است. درست اندکی قبل از آن، متی 24 : 24 ، چهار آیه بالاتر، اگر می خواهید علامت بگذارید. « هر جا گوشت باشد » یعنی کلام باشد، من باشد، « عقابها جمع خواهند شد »
213. حال، باید عجله کنم. یک لحظه نگاهم به ساعت افتاد و دیدم که الآن هفت یا هشت دقیقه از دوازده گذشته است. باید خیلی زود جلسه را به پایان برسانم و یا اینکه امشب این مطلب را به تمام برسانیم. هرطور که شما بخواهید انجام می دهیم. امروز صبح یا امشب؟ هاه؟ چند نفر از شما باید بعد از جلسه به منزل بروند؟ دست خود را بلند کنید. او، خدای من، بهتر است ادامه بدهیم.
- متأسفم که شما عزیزان را به اینصورت پشت خطوط تلفن نگه داشته ام. ارزش این مطلب بیش از پول شماست، به شخصه چنین اعتقاد دارم. می بینید، پول شما از بین خواهد رفت، ولی این از بین نمی رود. این کلام است. می بینید؟
214. « هر جا که گوشت تازه باشد، عقابها جمع خواهند شد » جاییکه ... جاییکه ذبحی است، در آنجا عقابها جمع خواهند شد. جاییکه گوشت تازه باشد، کلام زمان، آنجا عقابها جمع خواهند شد. اما زمانیکه فاسد و پوسیده شد، کرکسان به آن هجوم خواهند آورد. بله! می دانید منظورم چیست؟ زمانیکه کشتاری انجام می شود، عقابها به آنجا می آیند؛ اما زمانیکه آن در آنجا ماند و پوسید، سپس کرکسان جمع خواهند شد. عقابها هیچ ارتباط و تناسبی با آن ندارند. می بینید؟

عیسی گفت: « هر جا گوشت تازه باشد » جائیکه من ریخته باشد، شبی که من تازه می ریزد، عقابها برای آن جمع خواهند شد. این من آن روز است. می بینید؟

215. اما زمانیکه به فساد می رسد، خرمگسها به آن وارد می شوند، سپس کرکسان وارد می شوند. آنها تا زمانیکه فاسد نشده باشد نمی توانند آن را استشمام کنند. تعجبی ندارد که عیسی در آنجا ایستاده بود و می گفت: « اورشلیم، اورشلیم، چند بار خواستم ... » او که بود؟ « چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم، مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال خود جمع می کند و نخواستی! تو که هر نبی که به سویت فرستادم سنگسار کردی » آن کلیسای بزرگ، اورشلیم.

216. اورشلمی که، بر روی زمین نیست « اما ما از اورشلیم بالا هستیم » جایکه کلام از آن می آید! از پیش تقدیر شدگی، می بینید. نه اورشلیم قدیم که نابود می شود، اورشلیم جدید که نمی تواند نابود شود. نه آن اورشلیم قدیم که به دست انسان ساخته شده بود، بلکه اورشلیم که صانع آن خداست، می بینید، حال، کلام از آن بالا، آشکار شد. « در خانه پدر من، منزل بسیار است... می روم تا برای شما مکانی حاضر سازم » خالق، شوارعی از طلا می سازد و ... این آن چیزی است که نابود نمی شود.

217. « اورشلیم، اورشلیم، ... چند مرتبه خواستم ... » از ابتدای زمان؛ نه یک شخصیت سوم یا کسی دیگر، بلکه، « خواستم فرزندان تو را جمع کنم، مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال خود جمع می کند و نخواستی، اما اکنون ساعت تو رسیده است. » می بینید؟

« هر جا گوشت تازه باشد، عقابها جمع خواهند شد » اما زمانیکه آن پوسیده باشد، آنگاه کرکسان جمع خواهند شد. می بینید؟

218. توجه کنید. موسی، او هرگز به بنی اسرائیل ... موسی یک عقاب بود و هرگز پس مانده ی نوح را به فرزندان خدا نداد. او کلام تازه ی خدا را داشت. « خداوند خدا در بیابان من را ملاقات کرد و کلام خویش را تائید نمود و من را به اینجا فرستاد تا شما را به خروج فرا بخوانم. » سپس مقلدین در آنجا آمده و آن را تقلید می کردند. می بینید؟ اما او کلام ساعت را داشت. زیرا، خدا به ابراهیم که وعده را داشت گفته بود، « ذریت تو در زمینی که از آن ایشان نباشد، غریب خواهند بود و آنها را بندگی خواهند کرد، و آنها چهارصد سال ایشان را مظلوم خواهند داشت، اما من آنها را ملاقات کرده و با دستان زورآور از آنجا بیرون خواهم آورد. »

219. موسی گفت: « حال، خداوند خدا با من تکلم خواهد نمود و به من نشان خواهد داد، و به من گفته است که چه کنم و من به شما خواهم گفت. » و گفت: « هستم من را فرستاد »

« هستم، نه خواهم بود و یا بودم » « هستم » زمان حال، کلام حال. نه کلامی که بود و نه کلامی که خواهد آمد؛ کلامی که اینک هست. می بینید؟ درک می کنید؟ « هستم »، « هستم » کلمه است. « در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود » درست است؟ « هستم » من را بعنوان نبی خود فرستاد تا حقانیت او آشکار گردد. من پاسخ این کلام هستم که به من گفت به اینجا بیایم و این را انجام دهم »

220. و زمانیکه او این کار را کرد، فرعون گفت: « ما بسیاری از مردان را در گروه خود داریم که آنها نیز قادر به انجام این کارها هستند. » مقلدین. عیسی گفت: « حال، این در ایام آخر باز تکرار خواهد شد. » می بینید، همین ادعا را دارند. ببینید که ابتدا چه کسی آمد. ببینید که چه کسی با کلام ماند. همین است. به اینصورت است که شناخته شده است و شما می بینید.

221. توجه داشته باشیم، موسی هرگز چیزی که مربوط به دوره ی نوح بود را به آنها نداد. « ما یک کشتی خواهیم ساخت، چون این کلام است، می دانید. روزی نوح یک کشتی ساخت » نه، کرکسان داشتند از آن ارتزاق می کردند. نه، نه، نه.

222. این یک کلام موعود است. توجه کنید، پیغامی که او از خدا داشت، کلام ناب از پیش مقدر شده برای آن ساعت بود. عیسی هم هرگز با پس مانده های موسی قوم را خدمت نکرد. موسی کلام آن ساعت را داشت، او یک نبی بود، اینجا خود خداست، می بینید، او هرگز قوم را با پس مانده های موسی خدمت نکرد. اما کافی است نگاهی بیندازیم به آن کرکسان که در آن تشکیلات در حال افراط در آن بودند « ما می دانیم، ما موسی را داریم، نیازی به داشتن تو نداریم. »

223. او گفت: « اگر موسی را می شناختید، من را می شناختید، زیرا موسی درباره ی من گفته است « او، خدای من! می بینید؟ » هرجا که عقابها جمع خواهند شد « عقابها! ذبح تازه ی کلام. کلامیکه رشد کرده و بارور شده، و آشکار شده و خوراک را برای فرزندان ثمر آورده است. حال، لاشه ی کهنه که برای صدها سال آنجا مانده است، آنجا خواهد بود.

الآن هم همینطور است! لوتر پیغام توبه را داشت، ولی شما کرکسان لوتری هستید! بابتیست یک پیغام داشت، اما شما کرکسان بابتیست هستید! می بینید؟ پنطیکاست هم دارای یک پیغام بود؛ حال چگونه پیش می رود، کرکسان پنطیکاستی!

اما « جایکه گوشت تازه باشد عقابها جمع خواهند شد »

224. به خاطر داشته باشید، شما نمی توانستید در آن ایام یک لوتری را با مردار کاتولیک خوراک دهید (البته امروز می توانید) نه، آقا، او گوشت تازه را داشت. این، دوره ی آن کلیسا بود.

شما نمی توانستید پیغام لوتری را به متدیست بدهید. اوه، نه، او مردار را نمی خواست. این پوسیده است. می بینید. حیات آن را ترک کرده و به سمت دیگری رفته است. این آن ساقه ی قدیمی است که مرده است. حیات در حال حرکت است.

شما به عروس عیسی مسیح هم نمی توانید خوراک پنطیکاستی را بدهید. به راستی نه، پس مانده ی تشکیلات. نه، نه.

زیرا وعده این است که: « اینک من ایلّیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد و او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید.»

تمام این وعده ها در کتاب مقدّس داده شده است، این کار را خواهم کرد و عقابها جمع خواهند شد. « تمام آنانیکه پدر به من داده است نزد من خواهند آمد » می بینید؟

225. اما هنگامیکه عیسی آمد، اجتماع کرکسان را دید « ما موسی و شریعت را داریم » می بینید؟ این خوراک زمانیکه به آنها داده شده بود خوراک مناسبی بود، می دانید، در آن هنگام مناسب بود.

اما این به موسی پیشگویی شده بود، زمانیکه او قربانی را ذبح نمود، خود او گفت: « یهوه، خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت مبعوث خواهد کرد، او را بشنوید و واقع خواهد شد هرکس آنچه را آن نبی می گوید نشنود از میان قوم منقطع خواهد شد.»

226. می دانید که چگونه صدها نبوت عهد عتیق در مسیح محقق شد. « دستها و پاهایم را سوراخ کردند » حدود، درست به خاطر ندارم که در هفت یا هشت ساعت آخر زندگی او چند تا از این نبوتها تحقق پیدا کرد. تمام انبیاء آنها این را گفته بودند، بطور کامل.

227. اگر من نبوت کنم که یکسال دیگر از الان، اتفاق معینی رخ خواهد داد، صرفنظر از درست یا غلط بودن آن، شانس رخ دادن آن بیست درصد خواهد بود. اگر پیش گویی می کردم که این امر رخ خواهد داد، و نمی گفتم چه زمانی، درصد آن بیشتر بود. اگر می گفتم چه زمانی، احتمال وقوع آن کمتر می شد. اگر مکانی را که باید رخ می داد را پیش گویی می کردم، همچنان درصد وقوع آن کمتر می شد. اگر می گفتم ... چه کسی خواهد بود، شانس وقوع آن تنها یک هزارم بود.

هللویاه! و هر کلامی که درباره ی ماسیح مکتوب گشته بود، کلمه به کلمه تحقق یافته بود. حتی یک روز، درحالیکه مشغول خواندن کلام بود، همانجا در وسط جمله توقف نمود و گفت: « روح خدا بر من است، زیرا مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و ... » و همانجا در میان جمله توقف نمود. زیرا مابقی آن مربوط به آمدن ثانویه ی او بود. آمین. « آسمان و زمین زایل خواهد شد ولی کلام من تا به ابد باقی است » می بینید؟

228. او کلامی بود که داشت به آنها خوراک می داد. می دانید، موسی حقیقت را به آنها گفت. ولی، آنها همیشه از آن یک فرقه می سازند، زیرا کرکسان... .

بعد از اینکه عقابها از آن خوردند و رفتند، مقداری از آن باقی است. پس، آنها منتظرند تا چیز دیگری ببینند. « کلام » آنها می گویند، این باید بیاید، ما دیروز گوزن داشتیم، فردا گوسفند داریم، می دانید منظورم چیست؟ « لاشه ی آن گوزن کهنه آنجاست، ولی امروز گوسفند برای ما می آید، این در کجاست؟ » می دانید منظورم چیست؟ غذای فرشتگان! قوم که یک روز من را می خورد، اگر سعی می کرد آنرا برای یک روز دیگر ذخیره سازد، فاسد می شد. نمی بینید که تمامی نمونه ها چقدر کامل هستند؟ حال نیز همینگونه است.

229. توجّه داشته باشید که کرکسان زمان عیسی هم دیوها را اخراج می نمودند. عیسی چنین گفت.

و به یاد داشته باشید، آنها در آن ایام از انبیاء برخوردار بودند. قیافا، کاهن اعظم نبوت نمود. چند نفر این را می دانند؟ قیافا نبوت کرد. به جایگاه کرکاس در زمین توجّه کنید، او با همان مسح سیراب شد. چرا کتاب مقدس گفت که او نبوت نمود؟ « زیرا در آن سال، او کاهن اعظم بود. » یک مردار پوسیده، یک خاروخس که در میان گندم بود، اما روح بر او بود، روح القدس ناب خداوند. روح القدس بر او بود تا موعظه کند، نبوت کند و پیشگویی کند تا واقع شود، و او همان کلام آشکار شده ی آن ساعت را رد نموده و مصلوب نمود.

اوه، برادر، برای گفتن این مطلب و خواندن آن از روی کلام چقدر زمان در اختیار داریم؟ تعجیل خواهم کرد، چون چیزی حدود ده صفحه از بخشهای کتاب مقدس را اینجا دارم که این مطلب را اثبات می کند. « آفتاب بر بدان و نیکان یکسان طالع می گردد »

230. عیسی این را گفت تا ثابت کند: « اگر من به انگشت خدا دیوها را اخراج می کنم، فرزندان شما چطور آنها را اخراج می کنند؟ » حال، آنها دیوها را اخراج می کردند. نبوت می کردند. درست است؟ اما او را بعنوان کلام آن زمان نشناختند. (چرا؟) زیرا او با ایشان همقطار نبود.

حال، متی 24 : 24 را ببینید « مسیحان کاذب » مسح شدگان « برخوانند خاست و انبیاء کذبه این را نبوت خواهند کرد » می بینید، « و اگر ممکن بود، برگزیدگان را نیز گمراه می کردند » حال متوجّه شدید؟

231. به فرزندان توجّه کنید. « اگر من دیوها را به کلام خدا اخراج می کنم، فرزندان شما چطور... » که، او کلام خدا بود. « فرزندان فرقه ای شما آنها را توسط چه کسی اخراج می کنند؟ » حال، و تنها خداست که می تواند دیوها را اخراج کند، ما این را

می دانیم، تنها خدا. زیرا مرد زورآور باید از کسی که در خانه ی اوست قوی تر باشد. آنها قدرت این کار را داشتند.

می دانید، در کتاب مکاشفه ... در مورد ضد مسیح که در ایام آخر برمی خیزد صحبت می کند. « آیات و معجزات چنان کرد که تمام ساکنان زمین را گمراه نمود، همه ی آنها را گمراه نمود، مسیحیان و همه را » آنانی که نامشان در دفتر حیات بزّه مکتوب نبود. پاسخ به مٔی 24 : 24 ، « آنانیکه پیش از بنیان عالم نامشان در دفتر حیات بزّه مکتوب نبود »

حیاتی که در ریشه ی آن درخت حقیقی پرتقال بود، که تمام مرکبات همراه با آنه رشد کرد، میوه را در نوک درخت قرار داد، بالاتر از هر شاخه و یا قلمه ی فرقه ای. متوجّه شدید؟ ...

232. حال، داود را بخاطر بیاورید، او درستکار بود، صادق بود و تلاش می کرد تا برای خدا کاری انجام دهد، درحالیکه برای آن مقدر نشده بود.

« آنها » مسح شدگان، اما عیسی گفت: « آنها تفاسیر انسانی از « کتاب مقدس » را تعلیم می دهند. « می بینید، نه کلام خدا، نه کلام مکشوف شده ی او، آنها یک عیسی تاریخی را تعلیم می دهند، می بینید، چیزی که در گذشته وجود داشته است.

و کتاب مقدس می گوید: « او هست ». « هستم » نه اینکه « بودم یا خواهم بود » هستم، همین الآن. این همان کلام است که اینجا زیست می کند.

او، در آغاز...، او در آغاز در برگ بود، در شاخه بود، در پوسته بود و حال در بذر است، در دانه.

233. حال شما به عمق بر می گردید و باز زندگی می کنید؟ چه می شد اگر آن حیات به عقب بازمی گشت، فکر می کنید آن حیات (ترک شده) اگر می توانست سخن بگوید، هرگز بازمی گشت و در آن شاخه ی خشکیده ی کهنه زیست می کرد؟ هرگز این کار را نمی کند. « زیرا این برای آنان که یک بار منور گشتند محال است. » و آنانی که هنگام واقع شدن کلام با آن همگام نشدند، « آنان مرده و فنا شده اند، خاروخسک که قرین به لعنت بوده و در نهایت سوخته خواهند شد » درست است؟

234. حال به کلام توجّه کنید. تعلیم یک خدای تاریخی، می دانید، مانند این است که آنها می خواهند در گذشته زندگی کنند. مثل « خوب، فلانی چنین و چنان و یا چنین و چنان گفته است » شما دارید کلام وعده داده شده ی روز را رد می کنید. آن من که بوضوح شناخته شده ی روز است.

آنها تلاش می کنند تا شراب های کهنه ی لوتری، باپتیست و پنطیکاستی خود را در خمره ی جدید ما بریزند، این عملی نیست. همچنین شراب تازه ی ما در خمره ی کهنه ی آنها عملی نیست. اگر آنها تلاش می کنند که این شراب تازه را در فرقه قرار دهند،

حماقت آنان مکشوف شده است. آنها نمی‌توانند این کار را بکنند، زیرا این، آن خمره را تباه خواهد نمود.

235. « حال، برادر، من کلام خدا را کاملاً از طریق کلام دیده ام.

«
حال، اینجا را ببینید، دکتر... ما نمی‌توانیم چنین چیزی را در اینجا داشته باشیم. « به گمانم اخیراً مقداری از آن را داشته اید، « ما فقط نمی‌توانیم الآن آن را اینجا داشته باشیم، من - من ترجیح می‌دهم که شما... « می‌دانید، این عملی نیست، تباه خواهد شد. « و هیچ کس بر جامه کهنه، پاره ای از پارچه نو وصله نمی‌کند... و شراب نو را در مشکهای کهنه نمی‌ریزد و الا مشکها دریده شده، شراب ریخته و تباه گردد... « می‌بینید؟ آیا عیسی این را نگفت؟ شما نمی‌توانید شراب تازه را در مشکهای کهنه بریزید، این آنها را تباه می‌شازد. شراب تازه در خود حیات دارد. بسیار خوب.

236. درحالیکه می‌خواهیم این مطلب را به انتها برسانیم، توجهی داشته باشید به مطلبی در اینجا، در مکاشفه 16 : 13 - 14 ، اگر می‌خواهید آن را علامت بگذارید. شاید وقت نکند کامل به آن پردازیم. حال دقت کنید، این چیزی است بین جام ششم و جام هفتم.

237. حال ما،... اگر بتوانید تا چند دقیقه دیگر تحمل کنید تا چند دقیقه دیگر این مطلب را به انتها می‌رسانیم.

238. به مکاشفه 16 : 13 - 14 توجه کنید، بین جام ششم و جام هفتم « ارواح خبیث چون وزغها... » (به این توجه کردید؟) « از دهان کسی خارج شدند « حال، توجه کنید، حاضرید؟ بگویید آمین... [جمعیت می‌گوید « آمین »] یک تثلیث از ارواح.

239. حال، برادر فرقه ای، چند لحظه همان جا که هستی بنشین، بلند نشو تا از اینجا خارج شوی. عزیزانیکه از طریق تلفن و یا رادیو به ما گوش می‌کنید، ضبط خود را خاموش نکنید. چند لحظه صبر کنید و گوش کنید. شما که مولود خدا هستید این کار را خواهید کرد.

240. تثلیثی از وزغها. وزغ حیوانی است که همیشه به عقب نگاه می‌کند. او هرگز به جاییکه می‌رود نگاه نمی‌کند، نگاه او به آنجایی است که از آن آمده است. می‌بینید؟ نمی‌بینید؟ تثلیث در کجا متولد شد؟ به یاد بیاورید « سه روح خبیث « ارواح فردی. متوجه می‌شوید؟ [جمعیت می‌گوید « آمین »]

241. توجه کنید. آنها به شورای نیقیه نگاه می‌کنند که در آن تعلیم تثلیث متولد شد، نه به کلام. آنها به شورای نیقیه، در نیقیه، در رم نگاه می‌کنند که تثلیث در آن متولد شد. توجه کنید که آنها از کجا می‌آیند. توجه کنید. تثلیثی از وزغها از یک تثلیث قدیمی بیرون آمد، یک تثلیث جدید را متولد کرد. از چه چیزی بیرون آمد؟ یک تثلیث. « اژدها « می‌بینید، «

وحش « و « نبی کاذب » یک تثلیث تازه. این وزغها در چه زمانی خارج شدند؟ چه زمانی؟ توجه داشته باشید، آنها در تمام مدت آنجا بودند، ولی تا بین ششم و جام هفتم آشکار نشده بودند، درست قبل از اینکه مهرها بازگشایی شده و آن را مکشوف سازد. « زیرا در پیغام فرشته ی هفتم، اسرار خدا آشکار خواهد شد. » تمام این تعالیم تثلیثی، و تعمیدهای غلط و هرچیزی باید آشکار می شد. خدا به ما کمک کند تا ببینیم چه چیزی حقیقت است! و تصوّر نکنیم که کسی سعی می کند چیزی بگوید تا....

242. احساس می کنم که آن روح از اینکه شما را ببیند منزجر است. برادر، من از خود صحبت نمی کنم، بلکه از فرشته ی خدا صحبت می کنم که در اردوگاه است. کاملاً درست است.

243. توجه کنید، یک تثلیث! « اژدها » چند نفر می دانند اژدها چه بود؟ اژدها، رُم بود. « آن اژدها پیش آن زن که می زایید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد » درست است؟ معنای « وحش » در کتاب مقدس چیست؟ قدرت، بسیار خوب. « نبی کاذب، یک نبی دروغین » یک مسح شده ی دروغین، می بینید؟

244. کجا شروع شد؟ این « نبی کاذب » است، مفرد، « نبی کاذب »، اولین پاپ. و « فاحشه » از آنجا پدید آمد، « مادر فواحش » همه چیز از آنجا شروع شد.

یک سه گانگی غلط داشت رشد می کرد. نه اینکه در ایام اولیه نمی توانست آشکار شود، بلکه زمانیکه هفت مهر آمد، و آن اسرار را گشود و آنها را مکشوف نمود. در آن هنگام بود که « وزغها، سه روح خبیث که مانند وزغ بودند، بیرون آمده تا خود را آشکار نمایند » یک تعلیم تثلیثی، برعلیه حقیقت. می بینید؟ هاه! می دانید از کجا آمد؟ می دانید به کجا باز می گردد؟ شورای جهانی... همه ی آنها برادر هستند، همان روح، همان امور. و نگاه کنید، بسیار فریبنده! معجزات انجام می دهند! و اینها دیوهای هستند که به سمت تمام خدایان زمین رفته، معجزه می کنند، تا در ایام آخر آنها را فریب دهند و موفق هم خواهند شد. خدا در مورد آن روح خبیث چه گفته است؟

« من رفته در دهان جمیع انبیاء وی روح کاذب خواهم بود و باعث می شوم آنها به دروغ نبوت کنند تا باعث شود اخاب به آن سرزمین رفته و نابود شود. »

245. خدا گفت: « وی را اغوا خواهی کرد و خواهی توانست پس برو و چنین کن، زیرا آنها از ابتدا از آن کلام نبودند. » می بینید؟ « برو، زیرا او را غوا خواهی نمود، زمانیکه در دهان انبیاء دروغین او باشی این کار را خواهی کرد، زیرا او به آنها تکیه دارد و نه چیزی از کلام می داند و نه تلاش می کند تا یاد بگیرد. او نمی تواند این کار را بکند، زیرا از ابتدا خار و خس بوده است » می بینید؟ می بینید؟ « چنین خواهی کرد »

246. در اینجا به این وزغهای کذب که به عقب می نگرند نگاه کنید. «چرا، شما می دانید آنها در نیقیه چه گفتند؟» اهمیتی نمی دهم که آنها در نیقیه چه گفتند. اینجا، آنچه را که آنها در تخت خدا گفتند که باید باشد می گویم، نه آنچه بود و نه آنچه که خواهد بود، «زیرا او هستم» است. می بینید؟ «کاذب» به آن نگاه کنید. توجه داشته باشید که آنها از کجا می آیند.

247. حال خوب گوش کنید. به وضوح می بینیم، بعد از اینکه هفت مهر باز شد، این راز باید آشکار گردد. آن تثلیث چیست؟ می بینید؟ از کی تا بحال تثلیث خوانده شده است؟ می بینید؟ در کجای کتاب مقدس حتی یک کلمه از تثلیث صحبت شده است؟ کجا می تواند سه خدا وجود داشته باشد، که ما سه خدا را پرستش کنیم و مشرک نباشیم؟

چطور می توانند جدا باشند، در حالیکه عیسی گفت: «من و پدر یک هستیم»؟ «اگر نپذیرید که من او هستم، در بی ایمانی و در گناه خود هلاک خواهید شد» گناه یعنی بی ایمانی. «در بی ایمانی خود هلاک خواهید شد»

اوه، شما مرا که می گوید، می گوید از کجا آمده ام.

اوه، آیا پدر مرا می شناسید یا می توانید نام او را بگویید؟ من رز شارون **هستم**، ستاره ی درخشنده ی صبح.

می توانید به من بگویید او کیست؟

من آن **هستم** که در بوته ی آتش با موسی تکلم نمود.

من خدای ابراهیم **هستم**، ستاره ی درخشنده ی صبح.

من رز شارون **هستم**، اوه، گفتید من از کجا آمدم.

اوه، آیا پدر من را می شناسید یا می توانید نام او را به من بگویید؟ (آمین)

من الف و یا، ابتدا و انتها **هستم**! من تمام آفرینش **هستم**، و نام او عیسی است.

248. درست است. تثلیثی در کار نیست. این یک چیز کاذب است. هفت مهر، آن اسرار را که باید «به انتها» آشکار می سازد. مهرها باز شدند، معین نمودند، نشان دادند، و آشکار کردند آن حقایقی را که در تمام این سالها، مهرها آن را در سرتاسر کلیساها و فرقه ها مخفی نموده بودند.

«فاحشه ی بزرگ» مکاشفه، هفت..... او که بود؟ او «**مادر فواحش**» نیز هست. می بینید؟

249. شما می گوید: «برادر برانهام، شما آنها را کرکسان خطاب کردید.» درست است.

ولی به یاد داشته باشید، کرکس یک پرنده است. او نیز مسح شده تا پرواز کند. «دو روح بسیار نزدیک خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را» کرکس هم مانند عقاب یک پرنده ی بزرگ است. او می تواند مانند عقاب پرواز کند، و مسح شده تا پرواز

کند، یا موعظه کند، یا نبوت نماید، توجه داشته باشید، مانند عقاب. اما او نمی تواند در ارتفاع، عقاب را دنبال کند، حماقت او آشکار خواهد شد.. بله آقا. او نمی تواند عقاب را دنبال کند.

اوه، او می تواند بگوید: « من به پسر خدا بودن عیسی مسیح ایمان دارم. من به خدای پدر، قادر مطلق، خالق آسمانها و زمین، عیسی مسیح پسر او، ایمان دارم و ... » اوه بله، مطمئناً، آنها می توانند این را انجام دهند. اما دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان بودن او چه؟ می بینید؟

250. عقاب، یک پرنده ی ویژه است. در جهان هیچ چیز مانند او نیست. می بینید؟ او - او ... اگر یک کرکس یا هر پرنده ی دیگری بخواهد او را دنبال کند، او را خرد خواهد کرد. حماقت او به اندازه ی کافی آشکار خواهد شد. زمانیکه او تلاش کند تا شراب تازه را در مشک کهنه قرار دهد، خواهد ترکید. می بینید، خواهد ترکید. خرد خواهد شد. او برای این ساخته نشده است ... بدن او اینگونه ساخته نشده است که او را آن بالا نگه دارد. وقتی او به آن محیط برسد، اگر مقدر نشده باشد، از پیش برگزیده نباشد، عقاب به دنیا نیامده باشد، تکه تکه خواهد شد. می بینید؟ پروبالش ریخته و بر زمین خواهد افتاد. حتماً. او نمی تواند در ارتفاع عقاب را دنبال کند. اگر تلاش کند، حماقتش آشکار خواهد شد. درست است. نی توانید.

251. چرا؟ چون او نمی تواند مانند عقاب ببینید. چه فایده ای دارد که بسیار بالا بپرید، ولی هنگامیکه آن بالا بودید نتوانید ببینید؟ و اگر باید تلاش کند، حتی تلاش کند که در ارتفاع ادای یک عقاب را در بیاورد، آنقدر نابینا خواهد بود که نمی داند چه می کند. درست است. او فریاد می زند، می خواند و ... ولی کافی است با او از کلام صحبت کنید، اوه پسر، حماقت او آشکار خواهد شد.

با او در مورد تعمیم به نام عیسی مسیح صحبت کنید، یا دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان بودن او، یا هر چیز دیگری مثل این را به او بگویید. « چرا، اوه، یک لحظه صبر کن! » می بینید؟ اوه، بله، پروبالش در حال ریختن است. می بینید، تمام بالا پریدن، نبوت نمودن، اخراج دیوها، صحبت به زبانها و ... روی زمین است، ولی تلاش نمی کند تا به آن بالا برود، چراکه مطمئناً شناخته خواهد شد.

اگرچه، مقدر شده است، مسح شده است، می تواند پرواز کند و ... او می تواند مردار بخورد، ولی قادر به خوردن گوشت تازه ای که از تخت می آید نیست.

او کور است. همه ی این کارها را کرده است، ولی نمی داند کارهایش به چه چیزی مربوط است. می بینید، این همان روحی است که مانند باران بر او ریخته است تا او را به گندم شبیه کند؛

ولی او از ابتدا یک گندم نبوده است. او خرد می شود « اوه نمی توانم این کار را ... نه آقا، می دانم که دکتر جونز گفته است...» بسیار خوب ادامه بده. می بینید؟ اگر می خواهی ادامه بده.

252. نه، توجه کنید، او به دنیا نیامده و یا ساخته نشده یا از پیش تعیین نشده است که چنین پرنده ای باشد. او می تواند ... او یک ... شاید لیمویی باشد که روی درخت پرتقال رشد کرده است، ولی از ریشه چنین نبوده است. او چیزی است که اضافه شده است. و زمانی که آنها در فرقه های خود آنقدر بالا می روند که نمی توانند اثبات کلام از پیش مقدر شده ی خدا را ببینند، پس حماقت آنها آشکار می گردد. « او، آن چیز، آن هاله ی نور و تمام این چیزها، اوه، این مزخرف است. »

253. او برای دیدن آن دور دست ساخته نشده است. او تنها جایی را می تواند ببیند که عینک فرقه ای به او اجازه ی دیدن می دهد. اما بعد از آن، مانند یک خفاش کور است. از این به بعد، حماقت او آشکار می گردد. می بینید؟ می بینید؟ اینجا جایی است که عقابها برای خوراک می نشینند. بله آقا. اینجا جایی است که عقابهای حقیقی و از پیش برگزیده می بینند که او واقعاً چیست. وقتی نتواند آن کلام را بپذیرد، همانجا آنها می دانند که او یک کرکس فرقه ای است.

254. چرا، چرا او نمی تواند پرواز کند؟ زیرا، ببینید که او چه می خورده است. او یک مردار پوسیده ی فرقه ای را می خورده است. او هرگز بدن خود را روحانی نخواهد کرد. به عبارتی دیگر، آن را در برازندگی روحانی قرار نخواهد داد تا او را بالاتر از تفاوتهای فرقه ای ببرد. می بینید؟ می بینید، او تنها از آن نوع پوسیده ارتزاق می کند؛ بدن او از آن ساخته شده است. او نمی تواند به آنجا برود، جای که گوشت تازه آن عقاب را می پرورد. او قادر به انجام آن نیست. می بینید؟

255. این، مئی 24 : 24 را تحقق می بخشد. او درحال پرواز است، به آسمان می پرد، ولی نمی تواند به اندازه ی کافی بالا برود. می بینید؟ درست است. می بینید، او نمی تواند برود، نمی تواند به اندازه ی کافی بالا برود تا من تازه را دریافت کند. او می تواند من کهنه ای را بخورد که این پایین، روی زمین است، خرگوشهای مرده ی کهنه ای که یک هفته ی قبل، یک ماه قبل یا چهل سال قبل دچار آلودگی شده اند. او می تواند آن را بخورد و از آن خشنود باشد، فریاد برآورد، آواز شمادمانی سر دهد، بپرد و مثل یک عقاب دیگر پرواز کند. او مسح شده است. مثل پرنده های دیگر.

او نوعی شبه عقاب است که در اصل کرکس است. این را می دانیم. مطمئناً اینگونه است، اما نمی تواند عقاب حقیقی را دنبال کند. می بینید؟ نمی تواند. نه، آقا. بدن او اینگونه ساخته نشده

است. او مردار متفاوتی را می خورده است، و آن ... و آن گوشت تازه، من تازه نخواهد بود. شاید چیزی باشد که لوتر گفت، و سلی گفت، دکتر فلان و فلان گفت، اما چیزی که عیسی برای این ساعت گفت نخواهد بود.

256. حال، به انتها می رسیم. مسح شدگان، « مسیحان » در زمان آخر، ولی « معلمین و انبیاء کذب » وقت نداریم که آن را بخوانیم ولی می خواهیم که متی 24 : 24 را با دوّم تیموتائوس 3 : 8 مقایسه کنید. متی 24 : 24 گفت که در ایّام آخر « مسیحان دروغین برخواهند خواست » مسح شدگان دروغین، « انبیاء کذب، و آیات و معجزات انجام خواهند داد. » درست مثل آن راستین « و اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز فریب می داد » حال توجه کنید، این عیسی بود که صحبت می کرد

257. پولس درست بعد از او می آید و می گوید « در ایّام آخر افراد مذهبی خواهند آمد، کسانی که صورت دینداری دارند، زنان کم عقل را رهبری می کنند، و به انواع شهوات ربوده می شوند. » و با تعجب می گویند « چرا زنان آنان را به ستوه می آوری؟ » او، بخاطر عقّت ... آنها حتّی این را نمی بینند. « زنان احمق را رهبری می کنند، مملو از شهوات مختلف » از چیزهایی مثل این مانند « یمیس و یمبریس »

متی 24 : 24 « مسیحان کذب » مسح شدگان دروغین، آیات و معجزات می کنند تا برگزیدگان را فریب دهند. « و همچنان که ینیس و یمبریس با موسی مقاومت کردند، ایشان نیز با راستی مقاومت می کنند که ... مردود از ایمانند » نه « یک » ایمان، بلکه « ایمان ».

« یک ایمان، یک خداوند، یک تع... » نمی توانید یک ایمان داشته باشید بدون اینکه به « یک خداوند ایمان داشته باشید » شما نمی توانید دو تعمید داشته باشید و ... به نام پدر، پسر، روح القدس . « یک تعمید » عیسی مسیح. درست است. می بینید.

258. توجه کنید، وقتی به خانه رسیدید این دو را با هم مقایسه کنید. توجه کنید، در متی 24 : 24 عیسی صحبت می کند، در دوّم تیموتائوس 3 : 8 پولس سخن می گوید. حال آن را با هم مقایسه کنید.

259. بعد یک بخش دیگر را هم در نظر بگیرید. لوقا 17 : 3 و ملاکی باب 4 .

« همچنان که ینیس و یمبریس با موسی مقاومت کردند » با کلام مسح شده ی زمان « ایشان نیز » نه یک مرد شدگان، « با راستی مقاومت می کنند ».

260. « در همان روزی که پسر انسان ظاهر گردد » مکاشفه 10 : 1 تا 7 ، وقتی به منزل رسیدید آن را بخوانید. « پیغام فرشته ی هفتم، مهرها را می گشاید » این یعنی چه؟ نه اینکه فرشته، پسر

انسان باشد، بلکه پیغام آور در حال مکشوف نمودن پسر انسان است. حال می توانید آن را تفکیک کنید؟

اینجا، جایی است که برای شما سخت به نظر می رسد، می دانید. نه خود پسر انسان، بلکه فرشته ی هفتم، پیغام آور هفتم پسر انسان را بر عموم آشکار می سازد، زیرا این، پوسته را ترک نموده است، او نمی تواند آن را سازماندهی کند. این باز خود دانه است.

« و در آن روز یَنیس و یَمبریس مقاومت خواهند نمود (متظاهرین و بی ایمانان، کلیسای رسمی و پنطیکاستی ها) بر علیه دانه ی حقیقی مقاومت خواهند نمود. اما آنها را رها کن، حماقت آنها مثل آنان (یَنیس و یَمبریس) آشکار خواهد شد « می بینید؟ حال متوجه می شوید؟ [جمعیت می گوید « آمین »]

261. مکاشفه 10 می گوید: « در ایام فرشته ی هفتم چون کرنا را باید بنوازد « به خاطر داشته باشید، هفتمین دوره کلیسای لائودیکیه « نواختن آن فرشته « هنگامیکه آن کلیسا فرقه ای شده است و یک دوره ی کلیسا شده باشد، زمانیکه در تشکیلات پنطیکاستی اش انجام شده باشد، هنگامی است که پیغام آور باید...»

هر کدام از پیغام آوران چه بودند؟ مارتین لوتر چه بود؟ توبیخی بر کاتولیک. و سلی چه بود؟ توبیخی بر لوتری ها. پنطیکاست چه بود؟ توبیخی بر دیگران. حال حیات به کجا رفته است؟ بیرون از تشکیلات. دیگر پوسته ای نیست؛ این دانه است. این یعنی چه؟ توبیخی بر پنطیکاست، می بینید، برای تحقق کلام این ساعت. می بینید؟

262. توجه کنید، همان روز، هنگامیکه این پیغام آور ... نه هنگامیکه او شروع می کند. بلکه هنگامیکه شروع به اعلام پیغام خویش می نماید. می بینید؟ حرکت اول، شفا؛ دومین حرکت، نبوت نمودن؛ سومین حرکت، باز کردن کلام، اسرار مکشوف شده. برای باز کردن کلام، هیچ رتبه ای بالاتر از انبیاء نیست. اما تنها طریقی که یک نبی می تواند تائید شود از طریق کلام است. و به خاطر داشته باشید، حرکت سوم بازگشایی هفت مهر برای مکشوف نمودن حقایقی که در کلام مهر گشته اند بود. متوجه این می شوید؟ [جمعیت می گوید « آمین »]

بعد از این، در آن روز است که این امر باید واقع شود، که یَنیس و یَمبریس، مقلدین، دوباره ظاهر شوند درست مثل زمانی که موسی با کلام اصیل ظاهر شد تا آن را بگوید، و آنها ظاهر شدند تا آن را تقلید کنند. درست است. حال می بینید متی 24 : 24 چیست؟ می بینید، مسح شدگان!

263. سه چیز هست که قبل از پایان جلسه می خواهیم بگوییم. می خواهیم خیلی با دقت گوش کنید. سه چیز، بخاطر داشته باشید، سه چیز تحقق یافته است. سه چیز در برابر شما قرار گرفته است، همین حالا.

264. اوّل. دنیا در شرایط سدوم قرار دارد. عیسی گفت که این رخ خواهد داد. به انحراف نگاه کنید؛ زنان ما می خواهند مانند مردان رفتار کنند؛ مردان ما سعی می کنند رفتاری زنانه داشته باشند؛ زن صفت، فاسد، پلید، دیوزده و این را نمی دانند. کتاب مقدّس گفت که این باید رخ دهد و این، جایی است که واقع شده است.

265. دوّمأ، در آن ساعت است که ینیس و یمبریس بر طبق کتاب مقدّس ظاهر خواهند شد.

266. سوّمأ، در همان ساعت است که باید پسر انسان مکشوف شود.

267. ایمانداران، ایمانداران ظاهری و بی ایمانان. شما اینجا هستید. یک کلام ناب و راستین بیرون ایستاده، ایمانداران ظاهری آن را تقلید می کنند و بی ایمانان همه چیز را رد می کنند.

لیکن در غروب نوری خواهد بود

حتمأ راه جلال را خواهی یافت (درست است؟)

امّت ها گسسته می شوند، اسرائیل بیدار می شود

علائمی که کلام ما پیشگویی نمود

و ایام امّتها (سدوم) شمرده شده است

اوه، پراکنندگان به شهر خود بازگردید

روز رستگاری نزدیک است

قلب انسانها از این ترس می ایستد

از روح خدا پر باشید، چراغهایتان را بردارید

آراسته و اصلاح شده (تا بتوانید کلام زمان را ببینید)

بالا را بنگرید، رستگاریتان نزدیک است

انبیاء کذبه دروغ می گویند (آنها گفتند که اینجا خواهند بود،

مسح شدگان)

راستی خدا را انکار می کنند، که عیسی خدای ماست

که عیسی مسیح خدای ماست

این چیزی است که آنها به آن ایمان ندارند. کتاب مقدّس گفت که چنین چیزی وجود خواهد داشت. اینهاش!

ولی ما قدم در راه رسولان می گذاریم (همان نور، بازگشت ایمان

پدران به فرزندان)

روز رستگاری نزدیک است، بسیار نزدیک

قلب انسانها از ترس می ایستد (دنیا درحال فناست)

اوه، از روح خدا پر باشید، رستگاریتان نزدیک است

به این ایمان دارید؟ [جمعیت می گوید « آمین»] پس سرهای خود را خم کنیم.

268. به تمام آنانیکه این پیغام به سمت آنان برده می شود، از غرب تا شرق کشور، از کالیفورنیا تا نیویورک از جنوب تا شمال،

- یا هرجایی که هستید، و در این خیمه، ما ثروتمند نیستیم، برنامه های تلویزیونی و یا این امور بزرگ را نداریم. تنها تلاش می کنیم تا بهترین کاری که می توانیم را انجام دهیم. « لکن تمامی آنانی که پدر به من بخشیده است خواهند آمد »
269. می خواهم شما که به این نوار گوش می کنید این را با اطمینان بدانید. شاید با خود فکر کرده باشید که سعی می کردم بگویم که این منم که بانی این پیغام هستم. من هیچ چیزی ندارم و چیزی بیش از یک صدا نیستم، و اگر قصد فریب کسی را داشتم، صدای من بهترین داور بر علیه من خواهد بود. اما این اراده ی پدر من است و من برای انجام آن تعیین شده ام.
- این من نبودم که در آن رودخانه ظاهر شدم؛ هنگامیکه ظاهر شد من فقط آنجا ایستاده بودم. این من نیستم که این کارها را انجام می دهم و این اموری را که دقیقاً رخ می دهد را پیش گویی می کنم، من فقط کسی هستم که وقتی او این کار را می کند به آن نزدیک هستم. این تنها، صدایی است که او برای گفتن آن استفاده کرد. این چیزی نیست که من از قبل می دانستم، بلکه چیزی است که زمانیکه او از این طریق صحبت کرد، به من سپرده شد. این من نیستم، این فرشته ی هفتم نبود، اوه نه، این آشکار شدن پسر انسان بود. این فرشته نبود، پیغام او، این رازی بود که خدا آن را گشود، این انسان نیست، خداست. پسر انسان، مسیح است. او کسی است که از آن زیست می کنید. شما از یک انسان زیست نمی کنید، یک انسان، کلامش زایل می گردد. بلکه شما از کلام زایل نشدنی، از پسر انسان زیست می کنید.
270. اگر تابحال خود را از آن سیراب نساخته اید تا به شما قوت بدهد که بتوانید بالاتر از تمام آن فرقه ها به پرواز درآیید، آیا این بار هنگامیکه دعا می کنیم این کار را خواهید کرد؟
271. پدر عزیز، این امر سختی است. برای انسان فانی انجام آن آسان نیست. تو بر همه چیز آگاهی. و خداوند عزیز، من به تو دعا می کنم که این مطالب باعث سوء تفاهم نشود بلکه در نور کلام تو قدم بردارند.
272. و، خدای پدر، من نمی دانم که چه کسی جزو برگزیدگان است ولی تو می دانی. من نمی دانم که آمدن تو در چه وقتی است، بلکه می دانم گفتمانی که این امور واقع شد، این مسح شدگان کذب، نه به محض اینکه آنها شروع کردند.
273. حال، پدر، تو همچنان خدا هستی. همان کلام که گفت این امور در ایام آخر واقع خواهد شد.
- بسیاری از افراد صادق، دست خود را بر آن تابوت عهدی که یک حامل جدید و نه بر شانه های لویان قرار داشت، گذاردند و به مرگ افتادند. « در گناه و تَرَد مردند »
274. خیلی از خادمین، در هنگام مطالعه ی کلام، آن را خواندند و به سرعت صفحه را عوض کردند تا مانع این شوند تا دریابند جایگاه خود در عموم، کلیسا و یا در فرقه ی خود را از دست خواهند داد. خداوند، کمک کن تا هرگز اینچنین نباشیم.
275. خداوند، ضمیر ما را از هر آلودگی این دنیا پاک کن. خداوند، ایستاده و آماده ی پاک شدن هستیم. با این کلیسا و

تمام کسانی که به ما و یا به این نوار گوش می کنند، آماده ایستاده ایم. خداوند، ایستاده و می خواهد که من را پاک سازی. خداوند، من را به خانه ی کوزه گر ببر، و به صورت خادمی که می خواهی من را شکل بده.

زیرا خداوند عیسی « من مرد ناپاک لب هستم » و همانگونه که اشعیا گفت: « در میان قوم ناپاک لب ساکن هستم. وای بر من، زیرا مکاشفه ی خدای بی حجاب را دیده ام » مانند اشعیا که فرشتگان را در معبد دید، خداوند، زمان آخر را می بینم و وای بر من و خانواده ام، وای بر من و قوم من. اوه، خدای ابدی، بر ما رحم فرما. برای خود و قوم تمنا می کنم. نگذار با کسانی که ایمان ندارند هلاک شویم بلکه با ایمانداران زیست کنیم.

276. خداوند، هر فرقه، هر زن و مرد، ... نمی توانم بخوام که به یک فرقه برکت بدهی، درحالی که می دانم با آن مخالف هستی. بلکه تنها می توانم بگویم خداوند، اگر هر یک از گوسفندان تو در بین آنها هستند، این نوار را بشنوند، باشد تا آن را شنیده و با درکی که تو به آنها می دهی، آن را درک کنند و بیرون آمده، تو را بپذیرند. در بی بصیرتی و در سنتهای این روز گمراه نشوند. باشد تا سعی نکنند چیزی را بخورند که ... یا مردار یک روز دیگر بوده است. خداوند، باشد تا کلام را بگیرند. خداوند، این طریقی بود که فریسیان تو را مصلوب نمودند. آنها داشتند مردار زمان موسی را بر می گرفتند و تلاش می کردند که در آن شادمان باشند، بعد از اینکه تو در صحرا این نمونه را به آنها دادی، من تازه برای هر شب، به معنی هر نسل! اینجا جایی بود که آنها بازماندند. این آنها را محبوس نمود. خوردن آن خوراک آلوده و فاسد باعث مرگ آنها شد. و از نظر روحانی، امروز همان کار را می کند، آنها را با فرقه از نظر روحانی می کشد. خداوند عزیز، به ما کمک کن. اینک همه چیز در دستان توست. به نام عیسی مسیح.

277. با سرهایی پایین، درحالی که شما تصمیم خود را می گیرید، سرود می خوانیم. آیا تمام راه را خواهی رفت؟

می توانم صدای منجی « و او کلمه است » ... را بشنوم، می توانم

اوه، مدت ها سرگردان بودم. ولی اینک او را می شنوم. به نزد من آید، ای تمامی گمراهان نزد من آید، بشنوید، صلیب خود را برداشته و هر روزه من را متابعت کنید. بله، گرچه در وادی سایه ی موت گام بردارم، از بدی نخواهم ترسید، در مرتع های سبز مرا می خوابانی و نزد آبهای راحت رهبریم می کنی.

و جاییکه او من را رهبری کند....

خداوند، آن حماقت تثلیث را می دانم. می دانم که تمام دنیا در آن لغزیده است. کرکاسها همه جا رشد می کنند. ولی خداوند، جاییکه تو من را هدایت می کنی، مثل آنها در اعمال باب 19 خواهم بود. « و چون این را شنیدند، همه دوباره به نام عیسی مسیح تعمید گرفتند »

....دنبال (خداوندا بخشی از راه را طی کرده ام، خداوندا کافی است تو را بپذیرم)

حال تمام راه را با او طی خواهم نمود

[برادر برانهام سرود *هرجا مرا برد* را زمزمه می کند]

278. مطمئن هستم که این از قلب من است. مطمئن هستم که این سرود قلب همه ی کسانی است که اینک آن را می خوانند، شاید خیلی ها این نوار را بشنوند، یا در اینجا حاضر نباشند و این سرود را الآن بشنوند. خداوندا، بدون توجه به بهای آن، این کار را بکنیم. « مانند مردی که به جنگ لشگری می رود، یک سرباز یک پادشاه. ابتدا، محاسبه می کند که آیا می تواند از خیر امور دنیا بگذرد، آیا قادر است؟ می تواند آن را رها کند، به ارتش کلام مکتوب خدا بپیوندد، با آن سربازان گام بردارد، با عقابهای او پرواز کند؟ » خداوندا، این را به نام عیسی عطا کن.

279. ایمان دارید؟ او را می پذیرید؟ بسیار خوب. اگر خدا بخواهد امشب دوباره شما را در اینجا می بینیم. آیا ایمان دارید که این حقیقت است؟ [جمعیت می گوید « آمین »] آیا به اندازه ی کافی واضح است؟ [« آمین »]

*پس نام عیسی را بر خود بگیر
فرزند غم و مصیبت،
او شادی و راحتی به تو خواهد داد*

حال با کسی که در کنار شماست دست بدهید

*نام پرربها، اوه، چه زیباست
امید جهان امید جهان شادی آسمان
به نام عیسی خم شده
در برابر پایهایش به خاک افتند
خدای خدایان در آسمان ما... « او خداست »
وقتی سفر ما به اتمام رسد
نام پرربها، نام پرربها، اوه چه زیباست، اوه چه زیباست.
نام پرربها، اوه، چه زیباست
امید جهان امید جهان شادی آسمان*

280. به گمانم تمام خادمین امروز صبح متوجه شدند. وقتی یک نفر تمام هفته دعا کرده باشد، که این کلام درست در برابر شما قرار گرفته است « وای بر من » پولس گفت « اگر انجیل را موعظه نکنم » در پایان راهش گفت « یک لحظه از اعلام رأی خدا به شما آنگونه که به من سپرده شد اجتناب نکردم »

281. بعضی اوقات بعضی چیزها را فراموش می کنم. مانند هدیه نمودن فرزندان، تقدیم فرزندان به خدا. روزی بیلی به من گفت که مردی آمد و گفت: « من دو سال است که به اینجا می آیم، فرزند من را تقدیم کنید »

بیلی به او گفته بود: «خیلی نگران این مورد نباش. من نیز فرزندی دارم که حدوداً یک سال سن دارد و هنوز او را تقدیم نکرده ایم. به گمانم تا زمانیکه بتواند خودش به آنجا قدم بگذارد صبر کنم»

282. پس ما، برادر و خواهر پیدا می کنیم. این... این... یک نکته، ما باید فرزندانمان را به خدا تقدیم کنیم.

ما باید همه را تعمیم دهیم. اینجا آب و استخر تعمیم هست. اگر تابحال تعمیم نگرفته اید، چه چیز مانع شما می شود؟ اینجا آب هست. هم اینک بیایید. تا امشب صبر نکنید. هم اکنون بیایید. اینجا مردی ایستاده است که هرآنکه توبه کرده و اعتراف نموده باشد را تعمیم می دهد. اگر چندین بار هم تعمیم یافته اید، آنها شما را در نام عیسی مسیح برای بخشش گناهان تعمیم می دهند. می بینید؟

283. ولی، می دانید، پیغام در قلب من است. باید آن را بیرون بیاورم. این تنها هدف من است. صرفنظر از اینکه همسر، فرزندانم و یا شبان من چه می گویند، این خداوند من است. این تنها هدف من است.

284. و حال، بسیاری اوقات قادر نیستم تا خادمین را از هم تشخیص دهم. فکر کنم شاید... برادرمان، برادر نوئل، یک مرد با ارزش، و سایر برادرانی که اینجا هستید، از حضور شما خوشحالیم.

285. نه اینکه چون شما فرق دارید با شما مخالف باشیم. خیلی از شما، واعظین تثلیثی هستید. نمی خواهیم که با شما کدورتی داشته باشیم. ما شما را دوست داریم. اگر اینگونه نبود، اگر به این ایمان نداشتیم، مادامیکه زانو نزده و از خدا نمی خواستیم که «خداوندان من را اصلاح کن» هرگز این کلیسا را ترک نمی کردم. نمی خواهم که روح تکبر و خود خواهی با من یکی شود. می خواهم روح ناب و پاکیزه باشد، محبت برادرانه و مقدس با روح القدس. حال اگر کسی من را... اشکالی ندارد. با اینکه شاید حق داشته باشم که با آنها برخورد کنم ولی این را در زندگی خود نمی خواهم. من - من می خواهم محبت را داشته باشم می خواهم آماده باشم تا با محبت اصلاح شوم. با محبتی که قطعاً فراتر از همه چیز پاسخ خواهد داد.

286. منظورم این نیست که متفاوت باشم. متدیست، باپتیست، کاتولیک، پرزبیتری، هرچه که هستید، این چیزها را نمی گویم که فرق داشته باشم یا به شما فخر بفروشم. اگر اینگونه باشم ریاکار هستم و باید این پایین، براین مذبح به حضور خدا دعا کنم.

اما این را می گویم، و دلیل آن محبت است و می بینم که شما به کجا می روید. حال، این را از خودم نمی گویم، یا اینکه از خود راضی باشم. «قول خداوند این است» را به شما می دهم. این

مسح شدگان در زمان آخر

حقیقت است و بخاطر این چیزها، شما را دوست دارم. خدا به شما برکت بدهد

287. حال، همانطور که بخشی دیگر از این سرود را می خوانیم، قبل از اینکه برویم، می خواهم که امشب شما اینجا باشید، البته اگر می توانید. خدا با شما باشد. ما دعا می کنیم که خداوند شما را برکت بدهد و بهترین طمین را به شما بدهد.

نام عیسی را بگیر... .